

عدالت و عمارت؛ نسبت معماری و عدالت نزد امام علی(ع)

محمد مهدی عبدالله زاده*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

چکیده

پرسش از معماری عادلانه یا عدالت در معماری، پرسش از نحوه تخصیص و توزیع مواهب مرتبط با مکان و مکان‌گزینی است. در این مقاله معنای معماری عادلانه و نسبت این دو مفهوم نزد شخصیت تأثیرگذار در صدر اسلام، حضرت علی(ع)، امام اول شیعیان و خلیفه چهارم مسلمین بررسی شده است. راهبرد مختار این پژوهش تفسیری - تاریخی است و از رویکرد تاریخ مفهومی بهره برده است. برای این منظور ابتدا مفهوم عدالت نزد ایشان از طریق مرور پژوهش‌های پیشین بررسی و منظومه مفاهیم آن پیدا شد. سپس چندوچون تصرفات مکانی امام علی(ع) در نظر و عمل ایشان، از طریق مرور منابع تاریخی و روایی بررسی و اشکال مختلف آن شرح و بیان شد تا شکل پسندیده تصرفات مکانی و توزیع مواهب مکانی نزد ایشان آشکار شود. به این ترتیب منظومه‌ای از مفاهیم حاصل شد که انگاره معماری عادلانه نزد خلیفه چهارم را آشکار می‌کند. این مفاهیم عبارت است از: «نیت» ساخت به مثابه امر بنیادین و معنا یا کارکرد باطنی اثر؛ صلاح و منفعت عمومی یا بالاترین منفعت برای بیشترین افراد؛ بازتوزیع مواهب مکانی آن چنان که به تقویت فردستان و رفع تبعیض بینجامد؛ متضمن معنایی پسندیده باشد؛ جلب مهر و اعتماد مردم کند. این مفاهیم همچنین بر شناخت معنای عدالت نزد ایشان اثرگذار است.

کلیدواژه‌ها:

معماری، عمارت، عدالت، تاریخ، امام علی(ع).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۱۷۸-۱۵۹ ۱۵۹

* استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت (فنی و حرفه‌ای)، تهران، ایران mmabdollahzadeh@tvu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. چه شکلی از توزیع مواهب مکانی یا امور و خیرات مرتبط با مکان گزیدن انسان نزد امام علی(ع) پسندیده است؟
۲. نسبت میان معماری و عدالت نزد ایشان چگونه بوده است؟
۳. بر آن اساس چه منظومه‌ای از مفاهیم را می‌توان حول عدالت در تصرفات مکانی نزد خلیفه چهارم بارز دانست؟

مقدمه

عدالت به مثابه یک ویژگی بارز در افعال انسانی به اشکال گوناگون موضوع توجه بوده است. معماری و شهرسازی هم به مثابه یک فعل انسانی در پیوند با عدالت قابل بررسی است. پرسش از عدالت در معماری، پرسش از نحوه تخصیص و توزیع مواهب مرتبط با مکان و مکان‌گزینی است؛ اعم از نحوه اختیار مکان، ساخت، طرح، اجرا، روند تصمیم‌گیری، مال ساخت، نیت، نحوه و امکان بهره‌گیری از آنچه ساخته شده و خلاصه هرآنچه از مواهب و خیرات مکانی میان افراد (از بانی تا استفاده‌کننده) توزیع می‌شود؛ اینکه آیا آن شیوه مکان‌گزینی یا آن توزیع مواهب مکانی پسندیده است یا خیر (عبداله‌زاده ۱۴۰۱). این پرسش می‌تواند در شکل تاریخی آن باشد. همچنین این پرسش تاریخی می‌تواند به دو گونه کلی طرح شود: با انگاره مفروض نزد مورخ پیش از ورود به مطالعه تاریخی؛ یا کشف انگاره تاریخی از شخص یا اهل زمان و مکان خاص در گذشته. ممکن است مورخ با انگاره‌ای مفروض از معماری یا عدالت به مطالعه تاریخ بپردازد — و این انگاره ممکن است ناشی از یک تعریف یا نظریه رایج یا معتبر در زمان او باشد. در آن صورت مورخ در حال جست‌وجوی معنایی مشخص و امروزی یا فارغ از زمان از عدالت برای سنجش کاروبار معماری در مکان و زمانی خاص است. درمقابل، ممکن است تلاش کند معنای معماری عادلانه را در گذشته‌ای خاص بیابد؛ یعنی در گذشته‌ای خاص و نزد شخص یا گروهی خاص معنا و نسبت معماری و عدالت را جست‌وجو کند و باهم بسنجد. به این ترتیب با مطالعه تاریخی، معنای عدالت را در دوره یا نزد کسانی می‌جوید و چگونگی بروز آن را در معماری آن دوره بررسی می‌کند (همان). پژوهش پیش رو از گونه دوم است. در این مقاله، نسبت این دو مفهوم از شخصیتی تأثیرگذار در صدر اسلام پرسش می‌شود: حضرت علی(ع)، امام اول شیعیان و خلیفه چهارم مسلمین. او چگونه ساختن و آباد کردن و چگونه مکان‌گزینی را عادلانه می‌داند؟ باید مواهب و امکانات و خیرات در امر مکان‌گزینی و ساختن بناها و تصرف و آبادانی زمین و... چگونه توزیع شود یا چگونه تخصیص یابد تا از نظر خلیفه چهارم^۱ پسندیده محسوب شود؟

راهبرد چنین پژوهشی تفسیری — تاریخی است. همچنین برای درک بهتر نسبت این مفاهیم از رویکرد تاریخ مفهومی کمک گرفته شده است. برای آنکه بتوان مفهومی را در دوره‌ای در گذشته جست‌وجو کرد، به جای صرف واژگان یا معنای تحت‌اللفظی آن‌ها به «حوزه معنایی» آن‌ها توجه می‌شود. حوزه معنایی یک مفهوم یا واژه، میدان بازی آن واژه یا قلمروی است که واژه در آن حدود معنا می‌شود. در هر حوزه معنایی واژگان و مفاهیمی وجود دارد که به مثابه منظومه‌ای از مفاهیم حول محور مفهوم اصلی به جا آورده می‌شود. این مجموعه یا خوشه واژه‌ها را «مقوله» می‌نامند و شناخت مفهوم اصلی از خلال شناخت این مقولات میسر می‌شود. این حوزه‌های معنایی یا میدان‌ها متأثر از تجربیات و فرهنگ هر قوم است. از این طریق می‌توان با جست‌وجوی حوزه‌های معنایی واژه‌ها، واژه‌ها و مفاهیم هم‌حوزه را بازشناخت (قیومی بیدهندی و دانایی فر ۱۳۹۵، ۵۱-۵۳). برای این منظور لازم است تصویر یا انگاره‌ای از مفهوم عدالت و معماری و همچنین پیوندهای میان این دو را نزد خلیفه چهارم به دست آورد. پژوهش‌های تخصصی زیادی پیش‌تر در زمینه معنای عدالت نزد امام علی انجام شده است که به صورت اشباعی بررسی شده و مبنای اولیه شناخت معنای عدالت است. با این حال، بنا به اقتضای پژوهش تاریخی، مطالعه اسناد دست‌اول صورت گرفته است. پس از بازشناسی انگاره عدالت نزد امام علی(ع) معماری کردن در کلی‌ترین معنای خودش را در نظر می‌آوریم تا بینیم وی، در نظر و عمل، چگونه تصرفی در مکان را پسندیده دانسته است — با این پیش‌فرض که نظر و عمل او

یکی است و مبتنی بر خواست و دیدگاه او درباره عدالت است. آنگاه می‌توانیم منظومه مفاهیم معماری عادلانه نزد او را بشناسیم. برای این منظور به سراغ اسناد تاریخی مرتبط با نظر و عمل امام علی(ع) باید برویم. لذا تاریخ‌نامه‌های صدر اسلام و منابع سیره و مناقب و همچنین منابع روایی منقول از ایشان مبنای بررسی خواهد بود.^۲ در میان منابع روایی نهج البلاغه و شروح آن^۳ به‌مثابه سند محوری در نظر گرفته شده و در تکمیل آن به کتب حدیث دیگر مراجعه شده است.

در سیاقی گسترده‌تر، پیوند معماری و عدالت به‌طور عام (برای مثال: هاروی ۱۳۷۶؛ Schweitzer & Stephen-son 2007؛ Cheng et al. 2020) و به‌طور خاص در اسلام (برای مثال: داداش‌پور، علیزاده، و رستمی ۱۳۹۴؛ نقی‌زاده ۱۳۹۵ الف) جست‌وجو شده است. مشروح پیشینه پژوهش درباره نسبت معماری و عدالت در «معماری، عدالت، تاریخ‌نویسی» (عبداله‌زاده ۱۴۰۱) آمد و بیان شد که مطالعه تاریخی در میان این پژوهش‌ها اندک است. درباره بعضی فعالیت‌های عمرانی و موقوفات امام علی(ع) نیز پژوهش‌هایی شده (اشکوری ۱۳۷۹؛ خوشنودی و منتظرالقائم ۱۳۹۳) یا به بعضی مفاهیم مرتبط مانند عمارت زمین نزد ایشان پرداخته‌اند (Hassan 2024)؛ اما به‌رغم پژوهش‌های متعدد در سیره امام علی(ع) و عدالت علوی، درباره پیوند معماری و عدالت نزد ایشان مشخصاً پژوهش تاریخی انجام نشده است. آنچه در محدود پژوهش‌های انجام‌شده مورد توجه بوده استخراج از آموزه‌های امام علی(ع) درباره عدالت (مولایی ۱۳۹۹) یا اصول یا ویژگی‌های عام آرمانشهر به‌ویژه در ابعاد انسانی و اجتماعی و میان افراد بوده است (نقی‌زاده ۱۳۹۵ ب) یا موضوعات دیگر (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۳؛ نقره‌کار، تقدیر، و معین‌مهر ۱۳۹۴) بوده است. از این بابت پژوهش حاضر در وضعی تازه به پرسش درباره نسبت عدالت و معماری نزد ایشان پرداخته است.

۱. انگاره عدالت نزد خلیفه چهارم مسلمین

انگاره عدالت نزد امام علی(ع) چیست و چه تعریفی از آن می‌توان به دست داد؟ پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است؛ لذا برای شناخت دقیق از مفاهیمی که ذیل عدالت نزد ایشان وجود این پژوهش‌ها مرور شده است. به‌منظور اشباع نظری، درمجموع حدود ۳۰ منبع (اعم از کتاب و مقاله)^۴ درزمینه عدالت علوی بررسی شد. با این بررسی می‌توان مفهوم محوری و دایره مفاهیم پیوسته به آن را در انگاره عدالت بهتر مشخص کرد.

پرسامدترین مفاهیم در معنای عدالت را می‌توان در وهله اول عدالت به‌مثابه انصاف و عدالت به‌مثابه دریافت استحقاق (رساندن ذی‌حقی به حقیق و یا گذاشتن هرچیزی در جای خودش)^۵ دانست. انصاف و استحقاق در عموم منابع و ازجمله در واژه‌نامه‌های نهج البلاغه بارها تکرار شده است. پس از آن عدالت در معنای مساوات و رفع تبعیض شناخته می‌شود. در منابع پراکنده مفاهیم و معانی دیگری نیز به چشم می‌خورد: عدالت ساختاری به‌معنای اصلاح و تعدیل و شفافیت رویه‌ها و روند آزاد اطلاعات؛ عدالت رویه‌ای یا اصلاح رویه‌ها آن‌چنان‌که به بازتولید بی‌عدالتی یا تبعیض یا توزیع ناپسند منابع نینجامد؛ عدالت تعاملی، بازتوزیع ثروت برای تقویت طبقات فرودست؛ و در انتها منفعت و رضایت عموم، مفاهیمی است که با تکراری به‌مراتب کمتر در میان پژوهش‌هایی که حول معنا و مفهوم عدالت نزد امام علی(ع) انجام شده می‌توان یافت.

اگرچه تصویر کردن عدالت در قالب مفاهیمی چون انصاف و استحقاق و برابری رایج و قابل قبول می‌نماید، جست‌وجو در مفاهیمی که در پیوند میان معماری با عدالت طرح می‌شود، و ملاحظات مرتبط با مکان‌گزینی در نظر و عمل خلیفه چهارم، در بررسی مستقیم منابع دست‌اول تاریخی و روایی، این تصویر را دستخوش تغییر می‌کند؛ لذا آن‌چنان‌که خواهیم دید، این تصویر باید بازنگری شود و کاستی‌هایی دارد. بخشی از این کاستی، به‌واسطه مفاهیم پیرامونی عدل آشکار می‌شود که بیرون از انگاره رایج عدل نزد امام علی(ع) اما مرتبط با آن است. بخش دیگر مربوط به کاربری آن در موضوعی مشخص مانند معماری کردن است. مختصر آنکه این کاستی زمان آشکار می‌شود که تلاش می‌کنیم حوزه معنایی عدالت را در نسبت با معماری جست‌وجو کنیم. برای این منظور لازم است در شواهد مرتبط با مفهوم دوم (معماری) تأمل کرد.

۲. در جست‌وجوی شواهد معماری

خلیفه چهارم درباره معماری چه گفته و چه کرده است؟ او خود چگونه معماری کرده و چگونه معماری کردن و چگونه مکان‌گزینی را پسندیده دانسته است؟ واژه «معماری» نه در زبان و بیان امام علی(ع) و نه در دوره او کاربرد نداشته است و تنها یکی از مشتقات آن (عمارت) در کلام او به چشم می‌خورد. به همین ترتیب در آرای او هیچ بحث مستقیم و مبسوطی درباره معماری نشده است؛ لکن می‌توان به روش و منش او در قبال آنچه امروز معماری می‌نامیم و مفاهیم مرتبط با آن پرداخت. اگر معماری را در گسترده‌ترین معنای آن «تصرف در عالم برای ساختن مکان زندگی انسان» بدانیم (قیومی و دانایی فر ۱۳۹۵، ۵۲) دایره مفاهیم مرتبط با معماری کردن را می‌توان به ساختن مکان و مکان‌گزینی و مفاهیم مرتبط با آن گستراند، مصادیق آن را در آن زمان در نظر گرفت و برای جست‌وجو در رفتار و گفتار خلیفه چهارم به کار بست. مفاهیمی مانند آباد کردن و آبادانی و آبادی زمین (عمارة الأرض)، نحوه تصرف زمین، ساختن بنا اعم از منابع و روند و نتیجه، ساختن و آبادی شهر (عمارة البلاد)، ویژگی‌های بنا اعم از شکل و اندازه و آرایه و مانند آن و خلاصه آنچه دلالت بر دستکاری یا مراعات امری در مکان دارد، همگی می‌تواند سرنخی برای شناخت شود. هر صحتی درباره مطلق ساختن یا به‌صورت مصادقی درباره این یا آن بنا گفتن یا بنایی ساختن یا جایی را آباد کردن همگی شاهد خواهد بود. بنابراین می‌توان این سؤال را که «معماری عادلانه نزد حضرت علی(ع) چگونه است؟» به این سؤال برگرداند که «چگونه تصرف کردن در مکان یا چگونه توزیع کردن مواهب مکانی نزد حضرت علی(ع) پسندیده است؟»

به‌رغم آنکه در عموم تاریخ‌نامه‌های معماری سخنی از ساخت‌وسازهای زمان خلیفه چهارم نیامده، حجم آبادانی و عمرانی که درباره او، قبل و حین خلافتش، در منابع دست‌اول به‌صورت پراکنده گزارش شده کم‌نظیر است. او سرزمینی احتمالاً بزرگ‌تر از سامرای عباسی را به دست خود آباد و از زمین لم‌یزرع به باغ و نخلستان و زمین زراعی تبدیل کرده است؛ برای تأمین مسکن و سرپناه همه اهالی کوفه، پایتخت قلمرو خود، چاره‌اندیشی کرده و چندین مسجد ساخته یا تعمیر کرده است. این‌ها مصادیقی از تصرف‌های او در مکان و ایجاد محیط مصنوع است که می‌تواند منبع شناخت انگاره او درباره عدالت در معماری و مکان‌گزینی باشد.

برای نظم دادن به شواهد، آن‌ها را دسته‌بندی کرده‌ایم. شواهد از حیث موضوع و اندازه تصرف (خرد و کلان) تقسیم شده و هر سطح، بنا به موضوعات یافت‌شده در شواهد، به دسته‌های خردتری تقسیم شده است. این دسته‌بندی عجالی و پسینی است و بر مبنای آن چیزی است که در اسناد یافت شده است. سوالات و نتایجی که درباره هر دسته شاهد حاصل می‌شود، به یافتن مفاهیم بنیادین انگاره معماری عادلانه نزد خلیفه چهارم کمک می‌کند.

۲.۱. تصرف عرصه و زمین

اولین قدم در توزیع مواهب مکانی امکان استقرار در زمین و تصرف و در اختیار گرفتن پاره‌ای از زمین است؛ لذا تصرف زمین را می‌توان مفهومی مهم و قابل جست‌وجو برای دانستن انگاره معماری عادلانه در نظر گرفت. جست‌وجو در اسناد به‌جامانده از دوران حیات خلیفه چهارم نشان می‌دهد که او، پیش و پس از خلافت، به این موضوع به اشکال مختلف توجه داشته یا درباره‌اش اقدامی کرده است.

۲.۱.۱. اقطاع و تیول‌داری

از زمان پیامبر(ص) تا ابوبکر برای سپاهیان و کارمندان دولت مقرری خاص تعیین نشده بود و تقسیم غنائم و عایدی‌ها از فتوحات، میان همه برابر صورت می‌گرفت. در زمان عمر، خلیفه دوم مسلمین، با افزایش درآمدها دفتر و دیوان تنظیم و برای سپاهیان و کارگزاران مقرری خاصی تعریف و سپاه و ارتش با نیروی ثابت و حقوق تأسیس شد. در این میان نظم تقسیم بیت‌المال برحسب نسب و سابقه در اسلام تغییر کرد: «عرب بر عجم، عرب قحطان بر عرب عدنان، مُضَر بر ربيعة، قریش بر غیر قریش و بنی‌هاشم بر بنی‌امیه تقدم داشت و از مزایای بیشتری برخوردار بود» (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران ۱۳۷۶، ۵۲). عمر سه تن از عالمان نسب‌شناس (عقیل بن ابی‌طالب، مخرمه بن نوفل، جبیر بن مطعم) را خواست تا مردم را به ترتیب مراتب و نسب ایشان بنویسند و از فرزندان عبد مناف آغاز کنند (یعقوبی ۱۳۷۱، ۴۰).

شیوه توزیع ثروت و درآمدها در مدلی که عمر در نظر گرفت و در زمان عثمان ادامه پیدا کرد، منجر به توزیع نامتوازن ثروت شد. قاعدتا بخش مهمی از این ثروت به سمت منابع مهم درآمدزا برای تبدیل به سرمایه‌های ارزشمند سوق پیدا می‌کرد و از مهم‌ترین منابع درآمد در آن زمان تصرف زمین و کشاورزی و باغ بود. ذکر ارزش باغ‌ها در ثروت کسانی چون عثمان و طلحه و زبیر در تاریخ‌نامه‌ها شاهد این موضوع است. اگر شیوه تیول‌داری و بخشش‌های بی‌ضابطه زمان عثمان را هم بر این ماجرا بیفزاییم، می‌توان حدس زد در این زمان توزیعی ناهمگن و نابرابر در تملک و بهره‌مندی از زمین به وجود آمده است. در یک‌سو کسانی بودند که زمینی نداشتند و سوی دیگر کسانی بودند که ارزش زمین‌ها و خانه‌ها و باغ‌های آن‌ها میلیون‌ها درهم بوده است.^۶ این فاصله در بهره‌مندی، از علل عمده طغیان جامعه مسلمانان در دوران عثمان بود.

خلیفه چهارم در اولین اقدام اصلاحی خود به مسئله نحوه توزیع تملک و بهره‌مندی از زمین توجه کرد و در نخستین خطبه در دومین روز بیعت به آن پرداخت.^۸ او تلاش کرد زمین‌هایی را که چنان مال شخصی دست‌گردان شده بود، به بیت‌المال بازگرداند تا بهره‌مندی و منفعت عموم را جایگزین بهره‌مندی خواص و انصاف را برقرار کند. خلیفه چهارم به فرماندارانش درباره عدم «خاصه‌بخشی» یا بهره‌مندی نزدیکان و خواص به‌ویژه درباره تملک زمین تحذیر می‌دهد تا بهره‌یزند از آنکه چیزی را مخصوص دارند که بهره همه مردم در آن یکسان است.^۹

در اقدام به ممنوعیت خاصه‌بخشی سه ویژگی مهم وجود دارد: نخست اصلاح رویه‌های ناعادلانه در دسترسی به مواهب مکانی. اقدام خلیفه چهارم حاکی از آن است که انگاره معماری عادلانه، مبتنی بر مفهوم دسترسی برابر به مواهب مکانی و پسندیدگی، در رویه‌هاست. رویه پسندیده نزد وی، آن است که منجر به فرصت برابر و مساوات در دسترسی به مواهب مکانی شود. ویژگی دوم توجه به منفعت عمومی و ویژگی سوم رعایت قاعده عقلی «انصاف» است. در نزدیکان حاکم، به اتکای نزدیکی به منبع قدرت، خودخواهی و انصاف‌گریزی (قلت انصاف) بیشتر بروز می‌کند. یکی از بزنگاه‌های بروز آن، «امر اشتراکی» است؛ جایی که بهره یا هزینه‌ای مشترک در یک موهبت مکانی وجود دارد و خواص زحمت این هزینه مشترک را به گردن دیگران می‌اندازند یا سود این بهره مشترک را از آن خود می‌کنند.

دوگانه خواص و عوام - که در سخن امام علی(ع) سابقه‌دار است^{۱۰} - ناشی از عدم توزیع همگون منزلت اجتماعی است. منزلت‌های نابرابر به توزیع ناهمگون قدرت و ثروت و در نهایت توزیع ناهمگون بهره‌مندی از مواهب مکانی منجر می‌شود. بنابراین عدالت در معماری، در منش خلیفه چهارم، با عدالت در منزلت اجتماعی متناظر است. بر همین اساس وی تلاش کرد برای برقراری عدالت در تصرف زمین توزیع منزلت اجتماعی را اصلاح کند؛ و برای این منظور توزیع سِمَت و قدرت سیاسی را در جامعه زیرورو کرد.^{۱۱} او علاوه بر تملک زمین، نظام پرداخت از بیت‌المال را تغییر داد و به حالت قبل از عمر برگرداند.^{۱۲} این اقدامات همگی برای تعدیل میزان بهره‌مندی گروه‌های مختلف از مواهب و ثروت‌ها و از جمله مواهب مکانی بود.

۲.۱.۲. تقسیم اراضی مفتوحه

امام علی(ع) قاعده عمر بن خطاب را در مورد تقسیم اراضی و باقی گذاشتن مالکیت آن برای امت اسلامی اجرا کرد (بیضون ۱۳۷۹، ۱۷۶). این سیاست را او خود به عمر پیشنهاد کرده بود. هنگامی که عمر قصد تقسیم زمین‌های سواد^{۱۳} را در میان اعراب مسلمان داشت، با اصحاب پیامبر(ص) مشورت کرد. حضرت علی(ع) پیشنهاد کرد: «اگر امروز زمین‌های سواد را تقسیم کنی، برای آیندگان از ما بهره‌ای نخواهد ماند؛ لیکن آن را به دست صاحبانش بسپار تا در آن به کار بپردازند، تا سودش هم برای ما و هم برای آیندگان باقی بماند» (نقوی ۱۳۹۳، ۲۰۲).

خلیفه چهارم به جای تقسیم اراضی سرزمین‌های فتح‌شده میان والیان و قبایل و جنگاوران عرب، فقط به اجرای فیء در میان ایشان اکتفا کرد (بیضون ۱۳۷۹، ۱۷۹)؛ چراکه نگهداری این اراضی نظام کشاورزی مبتنی بر شبکه آبیاری و شرایط و روابط اجتماعی خاصی را ایجاد می‌کرد که در میان این قبایل وجود نداشت؛ و این یعنی در صورت سپردن زمین به ایشان، مدیریت و زراعت آن بر هم می‌خورد و بر اثر ناتوانی ایشان در آباد نگه داشتن زمین‌ها، همگی از بین می‌رفت.^{۱۴} این نکته قابل توجهی است: مبنای تصمیم‌گیری امام علی(ع) برای جلوگیری از تقسیم زمین صلاح عموم

و آبادانی زمین بوده است. به بیان دیگر، در نحوه توزیع مواهب مکانی مد نظر او این بوده که «چه کاری برآورندهٔ بیشترین نفع و صلاح عمومی است؟» نفع عمومی اولاً در آبادانی زمین و تولید و کسب درآمد ناشی از آن و ثانیاً در رضایت عمومی است. باید به خاطر داشت که بخش زیادی از جمعیت سرزمین‌های اسلامی در آن زمان مردم بومی سرزمین‌های تازه‌فتح‌شده بودند؛ در نتیجه پاسخ این سؤال که «چه کسی اجازهٔ تصرف در زمین را دارد؟» احاله می‌شود به اینکه «چه کسی می‌تواند زمین را بهتر آباد کند و نفع بیشتری به عموم برساند؟» و «زمین در تصرف که باشد تا تعداد بیشتری از مردم سرزمین مسلمین رضایت داشته باشند».

۲.۱.۳. آبادی زمین، آبادی شهر

از تعبیر مکرر خلیفهٔ چهارم، از جمله در نامه‌نگاری با فرمانداران و کارگزاران در نهج‌البلاغه «عمارت» است: عمارة البلاد و عمارة الارض. عمارت در لغت به معنای آبادی و آباد کردن است. همچنین تعمیر و مرمت و فلاح و زراعت در معانی آمده است (لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «عمارت»). وی آباد کردن شهرها را یکی از چهار وظیفهٔ حاکم می‌داند^{۱۵} (نهج‌البلاغه، نامهٔ ۵۳) و هیچ چیز را مانند عدالت مایهٔ آبادی شهرها نمی‌داند (غرر الحکم و درر الکلم، ح ۶۲۳۵).^{۱۶} او آبادانی زمین را باعث نشر و اقامهٔ عدالت در جامعه و وظیفهٔ محوّل خداوند بر انسان^{۱۷} می‌داند.

امام علی (ع) به والیان توصیه می‌کند به آبادانی زمین بیش از جلب خراج (مالیات) توجه کنند؛ چراکه آبادی شهرها و زمین‌ها مقدم بر اخذ مالیات است و همهٔ اهل جامعه عیال اهل خراج محسوب می‌شوند.^{۱۸} به همین سبب اگر مشکلی برای آن‌ها که زمین را آباد می‌کنند و به واسطهٔ آن مالیات می‌دهند پیش آمد، با ایشان مدارا و مقداری از مالیات بر ایشان بخشیده شود. این کار نوعی سرمایه‌گذاری برای آبادانی شهرها و آراستگی حکومت است و موجب اجرا و انتشار عدل در جامعه می‌شود^{۱۹} (ابن میثم ۱۳۸۵، ۴۶۷). رفق و مدارا با آبادکنندگان زمین منجر به آبادی شهرها و عدل و مهر میان مردم می‌شود. وی برپایی عدالت و پدیدار شدن مهر و دوستی میان مردم را روشنی چشم حاکم می‌داند (نهج‌البلاغه، نامهٔ ۵۳). از قیل رفاه و عدالتی که برقرار و مهر و اعتمادی که در دل ایشان ایجاد شده، می‌توان امید به همراهی مردم و تحمل سختی‌ها را داشت که «آبادانی چونان بارکشی است که هر چه بارش کنی می‌کشد».^{۲۰} این تعبیری از «سرمایهٔ اجتماعی»^{۲۱} است که میان عدالت و عمارت پیوند می‌زند.

همهٔ مردم مرهون مالیات‌دهندگان - آن‌ها که زمین را آباد می‌کنند - هستند.^{۲۲} آبادانی زمین و رونق کشت و زرع برای خلیفهٔ چهارم چندان مهم است که سایر امور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. وی به قرطه بن کعب انصاری دربارهٔ نهری می‌نویسد که خشک شده و با خاک پر شده است. به او دستور می‌دهد به جای گرفتن خراج نهر را احیا کند.^{۲۳} دستور بر کم کردن خراج یا حتی ندادن خراج و در عوض تعمیر نهر تا خللی در آبیاری ایجاد نشود، همگی برای آبادانی مملکت است و مملکت آباد یارای تحمل بارهای سنگین و طاقت آوردن در گرفتاری را دارد. بنا بر این موارد، تصرفی در مکان پسندیدهٔ خلیفهٔ چهارم است یا به عبارتی معماری‌ای از دید او عادلانه است که نفع عمومی و «افزایش اعتماد و مهر» را به همراه داشته باشد. با این تعبیر می‌توان احتمال داد معنای عمارت نزد خلیفهٔ چهارم لایه‌های دیگری هم دارد.

پیش‌تر گفتیم که آبادی شهرها (عمارة البلاد) یکی از چهار مأموریت فرماندار نزد خلیفهٔ چهارم محسوب می‌شود. وی دربارهٔ اوضاع کوفه، پایتخت خلافت در اواخر دوران زعامتش می‌گوید: «امروز هیچ‌کس در کوفه نیست مگر آنکه در رفاه باشد. پایین‌ترین و کمترین آن‌ها نان گندم می‌خورد و سرپناهی دارد و از آب آشامیدنی گوارای فرات می‌نوشد» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۴۱، ۳۳۴).^{۲۴} تأمین این حداقل رفاه، زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که به خاطر داشته باشیم سه جنگ بزرگ (جمل، صفین، نهروان) و مجموعه‌ای از حملات پراکنده و ناامن‌کننده از سوی شامیان (غارات) آسیب‌های زیادی به لحاظ اقتصادی به حکومت امام علی (ع) وارد کرده است (گلمکانی و وکیلی ۱۳۹۶). لذا به‌رغم آسیب‌های اقتصادی متعدد و در گیرودار فرازونشیب‌های سیاسی و نظامی، وی منابع را به‌نجوی مدیریت کرده که برای همگان حداقلی از رفاه فراهم شود. تأمین و ساخت سرپناه و مسکن برای همگان البته از مصادیق آبادی شهرهاست؛ و از این بابت نزد امام علی (ع) اهمیت داشته که اقتضای مهر و همدلی و رفع دشمنی آبادانی و ایجاد رفاه و زدودن فقر است، و اقتضای آبادانی و ایجاد رفاه عدالت است. فقر و نداری اقتضای دشمنی دارد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹).^{۲۵}

۲.۲. موقوفات و باغ‌ها

وقف عبارت است از حبس کردن اصل مال و استفاده از منافع آن. ویژگی موقوفات عموماً مکان‌مندی است؛ لذا وقف عموماً دلالت بر گونه‌ای توزیع مواهب مکانی دارد که در آن توزیع خیرات آن مکان میان کل جامعه یا بخشی از آن فراهم می‌شود. این سنت حسنه علاوه بر اینکه انگیزه نیرومند و مقدسی را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به وجود می‌آورد، مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلامی، یعنی توزیع عادلانه ثروت و درآمد را نیز محقق می‌سازد (خوشنودی و منتظرالقائم ۱۳۹۳، ۲۴۵). موقوفات امام علی (ع) بر سه قسم است: ۱. چاه‌ها و چشمه‌ها و در کنارش باغات و نخلستان‌ها و زمین‌های زراعی؛ ۲. مساجد (۶ مسجد)؛ ۳. خانه (همان‌جا).

نکته حیرت‌انگیز تعداد چاه‌ها و وسعت باغات است. در مجموع، حدود ۱۷ منطقه شامل چاه یا چاه و باغ در زمره موقوفات ایشان برشمرده شده است. از میان آن‌ها مجموعه موقوفات یَنْبُع^{۲۶} در نزدیکی مدینه بسیار مشهور است. عمده فعالیت امام علی (ع) پیش از خلافت، در دوره ۲۵ سال خانه‌نشینی، در این منطقه و در زمینی موات بوده که به دست ایشان آباد شده است.^{۲۷} تعداد چاه‌هایی که در ینبع احداث شده، بنا به نقلی یکصد حلقه (این شهر آشوب؟، ۱۲۳) و بنا به نقلی ۱۷۰ حلقه (یا قوت حموی ۱۹۹۵م، ۴۵۰؛ مجلسی ۱۴۰۳ق، ج. ۴۱: ۳۲) بوده است. بعضی از چاه‌های ینبع مانند بُغْبِیغَه، چندین هکتار زمین را آبیاری می‌کردند؛ چندان که فقط میوه‌های باغات بغیبغیه به ۱۰۰۰ و سق^{۲۸} (معادل حدود ۱۸۰ تن) می‌رسید (خوشنودی و منتظرالقائم ۱۳۹۳، ۲۳۴). از گستردگی این باغ‌ها اطلاعی در دست نیست؛ اما می‌توان با تخمین سرانگشتی، گستره آن را با بزرگ‌ترین پروژه‌های اموی و عباسی مقایسه کرد.^{۲۹} به همین ترتیب، درآمد غله ایشان چهار هزار دینار (یک میلیون درهم)^{۳۰} در سال بود که همه را صدقه می‌داد (همان، ۲۳۱). این رقم بیش از خراج یک سال بحرین در زمان عمر است که برابر ۷۰۰ هزار درهم بوده است (یعقوبی ۱۳۷۱، ۴۱). زمین‌های ینبع صرفاً بخشی از مایملک خلیفه چهارم بود.^{۳۱} عموم این املاک موقوفه و صدقه برای عموم شد و بعضی یا بخش محدودی از درآمد بعضی برای خانواده خود ایشان و به‌منظور تأمین نیاز ایشان در نظر گرفته شد^{۳۲} و وی شخصاً از آن سهمی برنمی‌داشت؛ چندان که آنچه از ایشان به ارث مانده بود تنها حدود ۷۰۰ درهم (۲۸ دینار) از سهم بیت‌المال بود که این را برای خرید خدمتکاری برای خانه‌اش کنار گذاشته بود (خوشنودی و منتظرالقائم ۱۳۹۳، ۲۲۷).^{۳۳} این نوع نگاه به تصرف زمین و آنچه باید ساخته شود، درخور تأمل است. اگر در نظر بگیریم که عمده این موقوفات در سرزمین خشک و کم‌آب حجاز واقع شده، اهمیت آن دوچندان می‌شود. غیر از باغات و موقوفات ساخت چند مسجد نیز به امام علی (ع) منسوب است که در بخش‌های بعد به آن‌ها خواهیم پرداخت.

خلیفه چهارم با درآمد هنگفتی که از باغات و موقوفات داشت، می‌توانست ساخت‌وسازهای متعددی انجام دهد؛ اما درآمدش را یا فقط صرف فقرا، آزاد کردن بردگان، پرداخت بدهی بدهکاران، خدمات به مسافران حجاج و مانند آن می‌کرد، یا خرج نگهداری و توسعه موقوفات، چرا بناها یا دست‌کم مساجدی بزرگ ساخت؟ با چنان درآمدی قطعاً مسجدی باشکوه و زیبا می‌توانست بسازد که صاحبش را در تاریخ بلندآوازه کند و یادگار و خیراتی برای ایام بماند. بنا به نقلی، برای ساخت بغداد عباسی «مقدار هزینه مسجد و قصر و بازارها و فصیل‌ها و خندق‌ها و درها، چهار هزار هزار (چهار میلیون) و هشتصد و سی و سه هزار درهم شد» (ابن خلدون ۱۳۶۳، ۳۰۸). اگر این اعداد را با درآمد موقوفات مقایسه کنیم معلوم می‌شود فقط چند سال درآمد آن زمین‌ها کافی بود برای اینکه چیزی شبیه بغداد عباسی بسازد.^{۳۴} به این پرسش بازخواهیم گشت.

۳.۲. حریم‌ها و قلمروها

خلیفه چهارم هنگامی که کارگزارانش را برای اخذ مالیات می‌فرستاد، توصیه‌هایی به آن‌ها می‌کرد. اگرچه این توصیه‌ها در ظاهر به ساخت‌وساز ارتباطی ندارد، می‌توان در آن‌ها به بعضی ملاحظات در تصرف مکان پی برد. در صورت آکراه صاحب مال و زمین از آنجا عبور نکنند؛ هنگامی که به آبادی یا محل اطراق قبیله‌ای وارد می‌شود ابتدا در خارج از آن توقف کند، بی‌اجازه و بی‌درنگ وارد محدوده خانه‌ها و خانواده‌هایشان نشود، بلکه با مکث و آرامش به طرف ایشان برود. بدون اجازه وارد گله و رمه او نشود؛ چراکه بیشتر آن از آن صاحب مال است. بنابراین کارگزار را به رعایت قلمرو

و حریم ایشان تذکر می‌دهد. درباره حریم خصوصی نزد امام علی(ع) پژوهش‌هایی شده است (عامری و عامری ۱۳۹۰؛ اسماعیلی، حمیدیان، و زارع زردینی ۱۴۰۳). در این بررسی‌ها حفظ حریم در قالب حرمت دارایی مادی و معنوی شامل جسم و جان، دارایی‌های مادی (مسکن، شغل، مال)، آبرو و اسرار آمده است. در میان این‌ها حفظ حریم فضایی و محل استقرار، مانند نمونه فوق که در مسکن و محل نگهداری اموال نمود یافته، دلالت مکانی دارد. رعایت حریم را می‌توان — بر مبنای منابعی که به عدالت علوی پرداخته‌اند — ذیل «عدالت تعاملی» دسته‌بندی کرد. رعایت حریم به همین مصداق محدود نیست. تخریب و اصلاح ارتفاع مناره یا مأذنه مسجد،^{۳۵} برای عدم اشراف بر خانه‌های اطراف، مصداق مشابهی از رعایت حریم است.

۲.۴. ساخت و پرداخت بناها

در میان موقوفات امام علی(ع) از شش مسجد یاد شده و ساخت آن‌ها را منسوب به ایشان دانسته‌اند (منتظرالقائم و خوشنودی ۱۳۹۳، ۱۴۳):

- مسجد الفتح: مسجد علی بن ابی‌طالب در کوه سلع در شمال غربی مدینه و به یاد جنگ خندق ساخته شده و در کنار مساجد دیگر به مسجد الفتح مشهور شده است (مسجد الفتح در اصل یکی از این چهار مسجد محسوب می‌شود و این نام توسعاً به مسجد علی بن ابی‌طالب هم اطلاق شده است) مسجدی کوچک به ابعاد حدود ۶/۵×۸ متر که با ظاهری ساده توصیف شده است (نجفی ۱۳۶۷، ۳۵۸-۳۶۰؛ جعفریان ۱۳۹۰، ۳۲۳-۳۲۹).
- مسجدی کوچک در کوه یا منطقه احد مقابل قبر حضرت حمزه(ره).
- مسجدی در میقات: طبق نقل‌های تاریخی، مقابل مسجد تنعیم، به فاصله چند ده متر (حدود پرتاب یک تیر)، مسجد کوچکی منسوب به امام علی(ع) وجود داشته است (جعفریان، ۱۳۹۰، ۱۷۳؛ ابن‌شهر آشوب؟، ۱۲۳).
- مسجد جامع بصره: این مسجد را عبدالله عامر از خشت خام ساخت و زیاد مصالح آن را از آجر - یا سنگ - کرد و چند سال بعد، حضرت علی(ع) محدوده مسجد را گسترش داده، مناری بر آن ساخته و جهت قبله‌اش را اصلاح کرده است (مستوفی ۱۳۸۱، ۷۷؛ هروی ۱۴۲۳ق، ۷۲)؛ گویا این بطوطه آن را وقتی دیده که دیگر از حصار شهر بیرون افتاده بود و آن را بلندبالا توصیف می‌کند (ابن‌بطوطه ۱۳۷۶، ج. ۱: ۲۲۹).^{۳۶}
- مسجدی در کوفه
- مسجدی در عبادان (ابن‌شهر آشوب؟، ج. ۲، ۱۲۳).

آنچه از بقایای بعضی مساجد، مانند مسجد الفتح و میقات و احد توصیف شده، مساجدی کوچک و تقریباً بی‌آرایه بوده است. بنابراین اگر انتساب ساخت این مساجد را بپذیریم،^{۳۷} مسجد باشکوهی در میان ساخته‌های منسوب به ایشان دیده نمی‌شود.

امام علی(ع) در چند مورد درباره ویژگی‌های خانه و بنا نیز نظر داده است. شریح قاضی^{۳۸} خانه‌ای به ارزش ۸۰ دینار خرید. خلیفه چهارم به او نامه داد و او را مواخذه کرد. به او گفت اگر از مال حلال و از آن خودش نخریده باشد، او را به شدت توبیخ خواهد کرد و اگر از مال حلال باشد، به سبب دنیادوستی لایق نکوهش است. در این نکوهش به او خانه آخرت (قبر) را یادآور شد و مشخصات آن را چونان ملکی در حال معامله ذکر کرد.^{۳۹} او با این توصیف شریح را به سبب هزینه‌ای که برای خرید خانه کرده، دچار بی‌عدالتی و بی‌انصافی در حق خودش و درخور ملامت دانسته است.

هنگامی که به عبادت یکی از اصحابش، علاء بن زیاد حارثی^{۴۰} رفته بود، با دیدن سرای بزرگ وی، به طور مشابه ملامت و موعظه می‌کند:

«با این خانه بزرگ در دنیا چه می‌کنی؟ در صورتی که در آخرت به آن نیازمندتری؟ آری، اگر بخواهی با این سر، سرای آخرت را به دست آوری، در آن مهمان را بنوازی و پیوند با خویشانت را محکم‌تر کنی و حقوق آن را به مصارفش ادا کنی [حقوق حق‌داران را به ایشان برسانی]، در این صورت است که از این خانه برای آخرت خود زاد و توشه‌ای تحصیل کرده‌ای» (نهج البلاغه، ترجمه محمدتقی جعفری، خطبه ۲۰۹).

این درحالی است که در همان دیدار، زهد بیش از حد عاصم، برادر علاء، را هم نکوهش و او را امر به بهره‌مندی از حلال خداوند کرد، و هنگامی که عاصم از زهد خلیفه چهارم پرسید، این زهد را مخصوص و مقرر پیشوایان عدالت دانست.^{۴۱}

در روایتی از ایشان آمده «خانه را شرافتی است. شرافت خانه به وسعت حیاط و هم‌نشینیان خوب است؛ و خانه را برکتی است، برکت خانه به جایگاه [محل و منطقه] خوب آن، وسعت حیاط آن و همسایگان خوب آن است»^{۴۲} (طبرسی ۱۳۹۰، ۳۳۱؛ درباره روایات مشابه ر.ک: جوادی آملی ۱۳۹۹، ۱۷۴). این بیان گویا با نکوهش فوق در تعارض است. همچنین ایشان بعد از اینکه وارد کوفه شد، مسجدی دید که بسیار بلند (کنگره‌دار) ساخته شده بود. فرمود: «مثل اینکه معبد نصراست. همانا مساجد بلند ساخته نمی‌شوند، بلکه به قدر قامت انسان بنا می‌شوند» (ابن‌بابویه ۱۳۸۵، ج. ۱: ۳۵۵).^{۴۳} این کنایه و تشبیه مسجد به معبد نصارا حکایت از ناخوشایندی بلندی بنا و دیوارهایش دارد.

به همین ترتیب می‌توان به سخنان ایشان درباره بناهای دیگر و نحوه بهره‌مندی از مواهب مکانی در بناهای دیگری نیز افزود. وجه مشترک همه این موارد بیان میزان پسندیده بهره‌مندی از مواهب مکانی است. در مواردی پسندیدگی در بهره‌مندی و در مواردی در عدم بهره‌مندی است؛ و در مواردی نوع بهره‌مندی از آن موهبت ناپسند دانسته شده است. پس باید پرسید حد و معیار بهره‌مندی مطلوب چیست و حد زهد چیست؟ خانه بزرگ نکوهیده است یا مطلوب؟ مسجد بلند چطور؟ اگر نزد خلیفه چهارم نکوهیده است پس چرا بر زهد عاصم می‌تازد که به خانواده‌اش ظلم کرده؟ چگونه بین این دو می‌توان جمع کرد؟ به بیان دیگر کدام توزیع مواهب مکانی پسندیده است؟ عدالت را در این کاروبار چگونه می‌توان بازشناخت؟ برای پاسخ به این سؤال باید مفهومی را که در مرکز این ماجراست دریافت. به آن سؤال خواهیم پرداخت.

۲. ۵. معنا و مکان‌گزینی

در میان مساجد منسوب به امام علی(ع)، سه مسجد اول مشخصاً جدای از کارکرد عبادی، جنبه نمادین و یادمانی دارد و در بزرگداشت رویدادی یا عملی ساخته شده است؛ لذا از این بابت که به یادبود یا بزرگداشت عملی یا رویدادی برپا شده، قابل توجه و حاوی معانی نمادین است. توجه خلیفه چهارم به نمادپردازی در انتخاب موقعیت مسجد، در عین سادگی آن‌ها، قابل تأمل است. توجه به معنای مکان در نظر و عمل ایشان سابقه‌دار است. در نقل دیگری آمده امام علی(ع) محراب‌های داخل مساجد را از باب معنا و تداعی‌ای که داشت و مشابه مذبح یهودیان می‌شد، می‌شکست.^{۴۴} این محراب‌ها به شکل اتاقک‌هایی اختصاصی در میان شبستان یا صحن مسجد ساخته می‌شد؛ لذا منجر به جداسازی خاص و ویژه‌ای می‌شد^{۴۵} و نوعی از برخورداری اختصاصی از مواهب مکانی را تداعی می‌کرد. این تداعی برای مسجد، که محل عبادت خداوند در شرایط برابر است، از بابت شکل و نحوه استقرار نزد خلیفه چهارم پسندیده نبوده است؛ لذا در حفظ یا عدم حفظ این جزء بنا معنا و تداعی آن مؤثر بوده است.

در نامه‌ای به حارث همدانی، در میان توصیه‌های اخلاقی، او را از بودن در مکان‌هایی که «از یاد خدا غافل‌اند و به یکدیگر ظالم‌اند و بر طاعت خدا کمتر یاران‌اند» و همچنین از نشستن بر «سر بازار» (مقاعد الأسواق) نهی می‌کند. ایشان دلیل مورد آخر را محل حضور شیطان و برانگیختن فتنه‌ها (محاضر الشیطان و معاریض الفتن) دانسته است (نهج البلاغه، نامه ۶۹).^{۴۶} این بیان را باید تفسیری از معنای مکان دانست؛ و مکان‌گزینی متناسب با این معنا صورت می‌گیرد. از تعبیر ایشان این‌طور می‌توان فهمید که بسته به آنکه حق در آن مکان برپا یا زایل شود، معنای مکان تفسیر می‌شود. از مجموع شواهد فوق چنین برداشت می‌شود که نزد خلیفه چهارم، اگر نحوی از بهره‌مندی از مواهب مکانی حاوی معنای ناپسندی باشد، محکوم به طرد و حذف و نابودی است. درمقابل، نحوی از تصرف در مکان که بتواند دلالت بر معنای پسندیده و مبارکی باشد یا خاطره مبارکی را حفظ کند، ارزش ساختن دارد. معنای پسندیده آن است که دلالت بر تکریم یا اقامه حق داشته باشد.

۳. پیوند عدالت و معماری

با چنان تصویری از عدالت و چنان رویه‌ای از مکان‌گزینی، انگاره معماری عادلانه نزد خلیفه چهارم چیست؟ و با چه مفاهیمی قابل توصیف است؟ در بررسی شواهد چند پرسش مشهود است: نخست اینکه چرا خلیفه چهارم این گونه ساختن را برگزید؟ چرا این‌طور به موقوفات پرداخت؟ چرا به ساخت موقوفات دیگر و ابنیه ماندگارتر نپرداخت؟ چرا بناها یا دست‌کم مساجدی باشکوه و ماندگار نساخت؟ می‌توانست با بخش‌نہ‌چندان بزرگی از درآمد موقوفات، مساجد یا بناهای عام‌المنفعه باشکوه بسازد و باقی را صرف فقرا کند. آیا در تاریخ ماندگار نمی‌شد و خیراتی نیکو از او به شمار نمی‌رفت؟ شاید همان مساجد کوچک نام‌برده را هم با درآمد همین زمین‌ها ساخته است؛ مساجدی کوچک و ساده که شکوه چندانی نداشت که تا امروز در تاریخ‌نامه‌های قدیم و جدید آواز و نامی از آن‌ها بماند. چه چیزی در مرکز این تصمیم‌گیری است؟ و او چه تلقی‌ای از توزیع عادلانه مواهب مکانی دارد که به مواهبی از این دست پرداخته و مواهبی از آن دست را رها کرده؟ مسجد ماندگار و بی‌همتا ساختن در صدر اسلام در میان حاکمان و مسلمانان امری شناخته و حتی پسندیده بود؛ زیرا به مسلمانان احساسی از استغنا می‌داد و چشم و دل ایشان را از دیدن عبادتگاه‌های باشکوه نصرانیان سیر می‌کرد.^{۴۷} پرسش مهم از علی(ع) پرسش از چرایی ساختن است؛ چرایی تصرف، چرا آن‌گونه در زمین تصرف نمی‌کند و این‌گونه می‌کند؟ پرسش بنیادین از او «نیت عمارت» است. چرا بنا کردن و چرا معماری کردن یا پرسش از نیت مهم‌ترین پرسش‌ها درباره منشأ معماری و سرآغاز آن است (رحیم‌زاده ۱۳۸۳، ۱۶ و ۴۷). نیت از ساختن همان است که از آن به «کارکرد پنهان یا باطنی» یاد می‌کنند. «مراد از کارکردهای پیدای آثار معماری کارکرد به‌معنای متداول آن است؛ مثل مسجد و کلیسا و کنیسه که مکان عبادت است؛ یا خانه که مکان سکونت است؛ یا بازار که مکان کار و دادوستد. مراد از کارکردهای پنهان آثار معماری نیز چیزهایی است که پدیدآورندگان آثار توقع دارند با برپایی آثار به آن‌ها برسند؛ مثل قدرت و ثروت یا نمایش این‌ها، یافتن پایگاه اجتماعی، تولید و انباشت و حفظ سرمایه و... توجه به این دو قسم کارکرد آثار معماری بسیار حیاتی است؛ چراکه گاهی کارکرد باطنی اثر معماری بهتر از کارکرد ظاهری آن معرف اثر است» (غلامعلی فلاح و بمانیان ۱۳۹۵، ۱۲۶ و ۱۲۷). آنچه برای امام علی(ع) بیش از همه اهمیت دارد، کارکرد باطنی ساختن است. محل اصلی پیوند خوردن معماری با عدالت و محک عادلانه بودن معماری «نیت ساختن» است. او با نظر و عمل خود نشان داده که در تصمیم‌ها ابتدا و اصلاً به نیت ساختن و کارکرد باطنی و سرآغاز آنچه ساخته‌شده می‌اندیشد. با این توضیح پرسش‌های دیگر را هم بهتر می‌توان شرح داد. چرا خانه‌ای بزرگ را پسندید و خانه‌ای بزرگ را نکوهید؟ برای جمع میان برخورد خلیفه چهارم با علاء و شریح باید به کارکرد باطنی این ساختن‌ها اندیشید. آنچه موجب عتاب است از سر هوس و تمنای دنیا ساختن است^{۴۸} و ساختن پسندیده از سر هوس و تمنای دنیا نخواستن و نساختن است. که از نظر او این عین آباد کردن آخرت است. او معنای جدیدی برای ساختن بیان می‌کند: خیر رساندن به دیگران و ادای حقوق. آنگاه این مال نه وبال و مایه بینوایی که مایه رهایی و توانگری است. پس آنگاه بزرگی خانه شخصی پسندیده است که با آن حق ادا شود یا نفع و خیری به دیگران، اعم از بستگان و مراجعان، برسد. و خیر رساندن به دیگران خود از مظاهر اقامه حق است. عدالت در ساختن برای خویشتن نساختن است؛ چراکه عدالت در حق خویش بخل بر نفس و نفی خواهش نفس است.^{۴۹} اثر جایگاه افراد در کمی و زیادی نکوهش امام علی(ع) را اصلاً در این سیاق می‌توان فهمید. زهد و پرهیز دادن برای امیران دوچندان لازم است تا از یک‌سو بر نفس فقیران جامعه اثر بگذارد. تا به غم فقر گرفتار نشوند. و ازسوی دیگر امیر را بر نفس خود حاکم کند. دستور به پرهیز از خانه گران خریدن و خانه بزرگ ساختن نه امری حکومتی که امری اخلاقی برای کسب فضیلت «انصاف» و عدالت در حق نفس است. این دلالت بر دوگانه هوس و ضرورت (ناگزیری) دارد. آنچه از هوس برپا می‌شود و آنچه از سر ناگزیری است. پس عمارتی پسندیده است که از سر ناگزیری است.

در سایر موارد نیز او با استدلال کارهایش، نیت انتخاب‌ها و تصمیم‌هایش را به اشکال مختلفی شرح داده است. در مواجهه با زمین‌های سواد عراق، نیت تصمیم او تأمین خیر و منفعت برای عموم است. در تغییر سازوکارهای توزیع مال و زمین در آغاز خلافت، نیت رفع تبعیض و اصلاح رویه توزیع ثروت و قدرت و منزلت و ایجاد فرصت برابر برای بهره‌مندی

همگان است. در تأکید و ترجیح عمارت و آبادانی زمین و شهر بر خراج، نیت منفعت و خیر مردم و ایجاد مهر و اعتماد میان ایشان است؛ یعنی به آنچه بتواند به توزیع متعادل ثروت بینجامد، به تعداد بیشتری از مردم نفع بزرگ‌تری برساند،^{۵۰} به طبقات فرودست کمک کند و به افزایش مهر و اعتماد میان مردم بینجامد. در توصیه‌ها یا اقدام‌ها به حریم‌گذاری برای کارگزاران خراج یا اصلاح مأذنه مساجد آنچه میناست، حق یا سهمی است که هر طرف در آن مال یا مکان دارد و ممکن است از او زایل شود. در اقدام به ساخت مساجد، انتخاب محل بر مبنای معنای نمادین آن بود و نیت از انتخاب آن معنای یک رویداد مهم در اقامه حق نزد مسلمین (مانند واقعه جنگ احد و خندق یا میقات حج) بود ولی آن مسجد باشکوه نبود چون «عبادتگاه» بود؛ یعنی محل عبادت و خاکساری. گویا که این معنا با شکوه تعارض دارد. تخریب محراب‌های میان صحن و شبستان هم به سبب ایجاد نوعی فضای اختصاصی در محل عبادت عمومی است؛ و این امتیاز و تخصیص به برهم زدن معنای برابری میان بندگان در برابر خداوند و خاکساری و تواضع می‌انجامد. به علاوه به اعمال قومی دلالت دارد که اصلاً با این صفت (خودبرترینی) در قرآن^{۵۱} و جامعه آن روز شناخته می‌شدند.

اگر در این معنای تأمل کنیم می‌بینیم که این‌ها اصلاً همان مظاهر حوزه مفهومی عدالت است که در بند اول به آن پرداختیم. تأمل در اقدامات او برای تصرف و ساختن مکان نشان می‌دهد او در سرآغاز کار خود به یکی از معانی یا مظاهر عدالت می‌اندیشد. این‌ها همگی از مفاهیم منظومه عدالت نزد اوست؛ لذا نیت او از عمارت اصلاً «عدالت» است. اگر برای کارکرد بنا می‌توان ظاهر و باطنی قائل شد، برای «عمارت» هم می‌توان ظاهر و باطنی در نظر گرفت. جست‌وجو در روایات و تفاسیر نشان می‌دهد نزد خلیفه چهارم آبادی هم پیدا و پنهانی دارد و اصلاً مقصود از آبادی ظاهر رسیدن به آبادی باطن است؛ همچنان که به صراحت درباره مسجد^{۵۲} و به اشارت درباره زمین و شهر^{۵۳} بیان می‌شود. آنچه درباره گسترش مهر و اعتماد گفته شد، در این معنا قابل فهم است. عمارت یا آبادی باطنی شهر آن است که آدم‌ها به هم عدل و انصاف و محبت کنند و یاد و عبادت خداوند در آن شود.

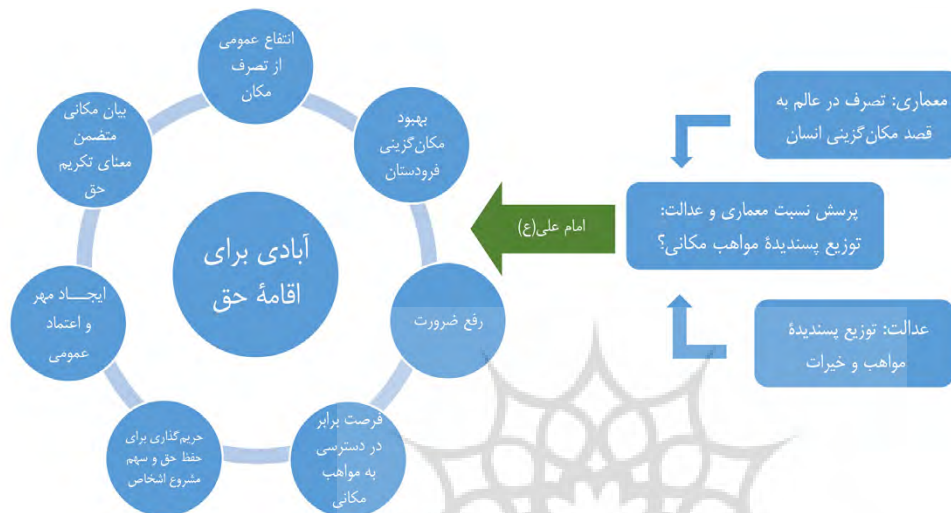
۱.۳. حوزه معنایی معماری عادلانه؛ منظومه پیونددهنده معماری و عدالت

به این ترتیب منظومه‌ای از مفاهیم برای درک انگاره توزیع پسندیده مواهب مکانی نزد خلیفه چهارم مسلمین آشکار شد. در مرکز این مفاهیم «نیت» ساخت قرار دارد که به مثابه معنا یا کارکرد باطنی اثر موضوع توجه است. هر نوع بحثی درباره توزیع مواهب مکانی و داوری درباره پسندیده یا ناپسند بودن آن منوط به تمیز نیت آن است و باید برای «اقامه حق» باشد. لذا اگر بخواهیم مفهوم معماری عادلانه نزد خلیفه چهارم مسلمین را بفهمیم باید از مفهوم نیت ساختن شروع کنیم؛ اینکه آنچه می‌سازیم با چه نیتی و چه کارکرد باطنی‌ای برپا می‌شود. تأکید بر نیت از آن بابت است که نشان می‌دهد در مرکز همه تصمیم‌گیری‌های خلیفه چهارم درباره مواهب مکانی امر واحدی قرار دارد. در نظر او تنها شکلی از توزیع مواهب مکانی پسندیده است که در قالب آن اقامه حق صورت گیرد و اگر جز برای اقامه حقی از حقوق مانند انتفاع عمومی یا رفع ضرورت یا جلب مهر و اعتماد باشد، عملی ناعادلانه است. هر چه با هر نیتی غیر آن ساخته شود، خواه مسجد باشد و خواه خانه و باغ و غیر آن، ناپسند است؛ اعم از آنکه شکوه و زیبایی و ماندگاری داشته باشد یا مایه فخر و مباهات گردد.

نیت بر اقامه حق بروزهای مختلفی دارد: صلاح و منفعت بزرگ‌تری برای تعداد بیشتری از مردم را داشته باشد؛ ضرورتی را با تصرف و مکان‌گزینی برطرف کند؛ به بازتوزیع مواهب مکانی در جهت تقویت فرودستان بینجامد؛ به صورت رویه‌هایی باشد که به رفع تبعیض و فرصت‌های برابر در دسترسی به مواهب مکانی بینجامد؛ حریمی گذارده شود که حق و سهم مشروع اشخاص را از مال و مکان حفظ کند؛ صورتی متناسب با معنای آن مکان بگیرد و متضمن معنای پسندیده‌ای باشد یعنی حقی را تکریم کند یا دلالت بر شکلی از اقامه حق داشته باشد؛ در نهایت به ایجاد مهر و اعتماد درازمدت در میان مردم بینجامد.

در میان این مظاهر، «انتفاع و خیر عمومی» پربسامد است. آنچه توزیع مواهب مکانی را پسندیده و عادلانه می‌کند، میزان نسبت آن با نفع و صلاح عموم است؛ چه در روند توزیع و چه در ماحصل توزیع. آنچه نفع بیشتری را برای تعداد بیشتری از اعضای جامعه فراهم کند، به امر عادلانه نزدیک‌تر است. این نفع شامل امور ظاهری و باطنی است. هم

تقویت فرودستان و مساوات و رفع تبعیض در ثروت و قدرت و منزلت را شامل می‌شود و هم جلب مهر و اعتماد میان مردم. برای همین حتی نمادین بنا هم در انتخاب‌های خلیفه چهارم برای تسهیم هزینه و ساخت بناها مهم است؛ چون این معنا در اقامه یا ازاله حق و در نتیجه در پسندیدگی یا ناپسندی توزیع مواهب مکانی مهم و مؤثر است.



تصویر ۱: پرسش از نسبت معماری و عدالت نزد امام علی (ع) و مظاهر و مفاهیم مرتبط با آن

نتیجه

در این مقاله تلاش کردیم معنای معماری عادلانه و نسبت این دو مفهوم را نزد شخصیتی تأثیرگذار در صدر اسلام، امام علی (ع) بپرسیم؛ اینکه او چگونه ساختن و آباد کردن و چگونه مکان‌گزینی را عادلانه می‌دانست و چه شکلی از توزیع مواهب مکانی یا امور و خیرات مرتبط با مکان‌گزیدن انسان نزد او پسندیده بود و در آن سیاق تاریخی چگونه آن پسند را آشکار کرده بود. برای این منظور، معماری و عدالت ابتدا به فراگیرترین معانی آن‌ها تعبیر و سپس حوزه معنایی و مفاهیم مرتبط با آن‌ها معرفی شد. درباره عدالت، در معنای توزیع مواهب و خیرات، مفاهیم مرتبط با آن نزد امام علی (ع) بیان شد؛ شامل انصاف، استحقاق، برابری، انتفاع عمومی و... پس از کسب تصویری از مفهوم عدالت نزد او، به سراغ نظر و عمل او درباره معماری، در معنای هرگونه تصرف در عالم به قصد مکان‌گزینی انسان رفتیم. برای این منظور کلیه شواهد مرتبط با بزرگراه‌های مکان‌گزینی، اعم از تصرف عرصه و زمین، موقوفات، ساخت و پرداخت بناها، حریم‌ها و قلمروها و مانند آن بررسی شد و نسبت این شواهد با مفاهیم پیرامون توزیع مواهب ارزیابی شد. به این ترتیب منظومه‌ای از مفاهیم برای درک انگاره معماری عادلانه آشکار شد. «نیت» ساختن به مثابه امر بنیادین در مرکز پیوند عدالت و معماری نزد خلیفه چهارم است و «ساختن و آبادی به نیت اقامه حق» معنای اصلی توزیع پسندیده مواهب مکانی است. توجه دادن به این امر درونی از آن بابت مهم است که اتفاقاً زمانی که به سراغ بسیاری از پروژه‌های مهم تاریخ معماری می‌رویم، پروژه‌هایی که کالبد درخور اعتنایی دارند و در تاریخ‌نامه‌ها به آن‌ها پرداخته می‌شود، شواهد مکتوب و منقول نشان می‌دهد عادلانه و پسندیده بودن نیت طرح و ساخت آن‌ها، همان چیزی که بذر اول شکل دادن به بنا را می‌کارد، محل پرسش و ایراد است. این معنای بنیادین در نظر و عمل او مظاهر مختلفی یافته که عبارت است از انتفاع عمومی از تصرف مکان، بازتوزیع مواهب مکانی برای تقویت فرودستان، ایجاد رویه‌هایی برای مساوات و رفع تبعیض در ثروت و قدرت و منزلت و فرصت برابر دسترسی به مواهب مکانی، توجه به معنای نمادین مکان آن‌چنان که مکان متضمن معنای تکریم حق باشد، حریم‌گذاری برای حفظ حق و سهم مشروع اشخاص، جلب مهر و اعتماد.

اگر پرسش از نیت - یعنی پرسش از چرا بنا کردن - را سرآغاز و منشأ معماری بدانیم منشأ و مرکز و آغاز کار خلیفه چهارم برای ساختن و تصرف در محیط اصلاً عدالت است و آنچه از توزیع مواهب مکانی که به اقامه حق نینجامد، اصلاً در نظر او ناپسند است. بررسی نسبت عدالت و معماری منجر به درنگ در معنای عدالت نزد خلیفه چهارم نیز می‌شود. اگرچه نزد عموم محققان انصاف یا استحقاق در تعریف عدالت پرتکرار است، آنچه در نسبت عدالت و معماری، از همه پرتین‌تر جلوه می‌کند، جلب منفعت عمومی (برترین نفع برای بیشترین افراد جامعه) است؛ موضوعی که تنها در یک پژوهش (گراوند، ولوی، و نظرزاده ۱۴۰۱) تأکید شده بود.

برای تکمیل و توسعه این پژوهش لازم است دوران سه خلیفه پیش از او و خلفای اموی و عباسی بعد از او را بررسی کرد. این کار از یک‌سو شناخت تاریخی از دوران صدر اسلام را کامل‌تر می‌کند، و ازسوی دیگر به شناخت عمیق‌تر درباره انگاره معماری عادلانه نزد خلیفه چهارم و خلفا و حاکمان دیگر در آن دوران کمک خواهد کرد. همچنین می‌توان این انگاره را با انگاره عموم مردم آن دوران محک زد و مقابله کرد. انگاره جامعه مسلمانان (دست‌کم در جغرافیای شام و عراق) در قرن اول هجری از معماری عادلانه چیست؟ آیا پسند عموم مسلمین در این بازه زمانی و مکانی با پسند خلیفه چهارم یا با پسند خلفای دیگر منطبق بوده؟ همچنین می‌توان از مقابله این انگاره تاریخی با مفاهیم و نظریات معاصر، مانند عدالت فضایی، و استفاده از راهبردهای روش‌شناختی دیگر برای درک عمیق‌تر آن بهره برد. پژوهش مهم دیگر ارزیابی اعتبار منابع تاریخی (به‌ویژه منابع اهل سنت) در نقل اقدامات عمرانی خلیفه چهارم است. عدم توجه مورخان معماری به اقدامات عمرانی و ساخت‌وسازهای این دوره منجر به فقر شناخت درباره آن شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ذکر این عنوان برای امام علی (ع) به سبب وجه تاریخی جایگاه ایشان به عنوان چهارمین خلیفه مسلمین در تاریخ صدر اسلام است و دلالت بر آن سیاق تاریخی دارد.
۲. برای جست‌وجوی بهتر در منابع تاریخی و روایی از دو مجموعه «جامع منابع تاریخ: نور السیره» نسخه ۳ و «دانشنامه علوی» نسخه ۳ استفاده شده است.
۳. دو ترجمه محمدتقی جعفری و سید جعفر شهیدی و سه شرح ابن میثم و ابن ابی‌الحدید و علامه محمدتقی جعفری در این بررسی مبنا قرار گرفته است.
۴. بعضی از مهم‌ترین این منابع عبارت است از: *المفتاح لکنوز نهج البلاغه*؛ *مفردات نهج البلاغه*؛ *دانشنامه امام علی (ع)*؛ *گزیده دانشنامه علوی*؛ *رخساره خورشید*؛ *روایت عدالت*، *عدل از نگاه علی*؛ *عدالت در حکومت علی (ع)*؛ *منهای فقر*؛ *عصر علوی*؛ *عدالت علوی از دیروز تا امروز*؛ *عدالت و تداوم سیاسی در سنت علوی*؛ *امام علی (ع) در قرن ۲۱: انسان، آزادی، عدالت و حکومت*؛ *معنویت علوی و دنیای امروز*؛ «تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی در سیره علوی (ع) با تکیه بر نامه ۵۳ نهج البلاغه».
۵. «العدل یضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).
۶. چنین مشهور است که عمر فهرست خود را از علی بن ابی‌طالب آغاز کرد و برای او مقرری ۵۰۰۰ درهم در سال تعیین کرد و حقوق حسن بن علی و عباس بن عبدالمطلب را ۳۰۰۰ درهم، بزرگان قریش مانند معاویه و پدرش هرکدام ۵۰۰۰ درهم، هریک از زنان پیامبر را ۶۰۰۰ درهم، مسلمان غیرمهاجر مکی را ۶۰۰ درهم، مسلمان مصری را ۳۰۰ درهم و یمنی را ۴۰۰ درهم معین کرد (یعقوبی ۱۳۷۱، ۴۰ و ۴۱).
۷. ارزش باغ‌های عثمان عفان در وادی القری و حنین و جاهای دیگر، بالغ بر صد هزار دینار طلا (معادل ۲/۵ میلیون درهم) بود. خانه زیر در بصره تا زمان مسعودی (مؤلف *مروج الذهب*) به سال ۳۳۲ ق برپا و معروف و چندان بزرگ بود که محل فرود بازرگانان و مال‌داران بود. او علاوه بر این‌ها در مصر و اسکندریه و کوفه هم خانه داشت و بنا به نقلی مجموعاً از او ۴۰ میلیون درهم ارث ماند. طلحه وضعی مشابه زیر داشت و فقط درآمد غلات او از زمین‌های عراق بیش هزار دینار (معادل ۲۵ هزار درهم) در سال بود. مشابه همین نقل‌ها درباره سعد ابی‌وقاص و سعید بن مسیب و ولید بن عقبه و عبدالرحمن بن عوف و بعضی دیگر از صحابه

و اطرافیان عثمان آمده است. گویا مجموع بخشش‌های بی‌ضابطه عثمان از بیت‌المال و غنائم و قطائع فقط به ده نفر از اطرافیان قریب به یکصد میلیون درهم بوده است (جعفری ۱۳۸۸، ج. ۳، ۱۷۵-۱۷۸؛ معادخواه ۱۳۸۳، ۶۷۹). برای برآورد بهتر مقایسه کنید با پرداخت سالانه از بیت‌المال به هر مسلمان یمنی که ۴۰۰ درهم بوده و همچنین ثروت به‌جامانده از سلمان که حدود بیست و اندی درهم نقل شده است (معادخواه ۱۳۸۳، ۶۷۹).

۸. «به خداوند سوگند، اگر هر تیولی را بیایم که با آن زنان به تزویج درآمده و کنیزکان خریداری شده باشند، آن را باز خواهیم گرداند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵) «مبادا فردا مردانی از شما که در لذت‌های دنیا غرقه گشتند، بُستان‌ها برگرفتند، نه‌رها جاری ساختند، بر اسبان چالاک سوار شدند و کنیزکان زیباروی برگرفتند - که بر آنان ننگ و عار شد - وقتی که آنان را از آنچه در آن غوطه‌ور شدند بازداشتیم و به حقوقی که می‌شناسند بازشان گرداندم، از من خُرده گیرند و مپسندند و بگویند: پسر ابوطالب ما را از حقوق خویش محروم ساخت» (ابن میثم ۱۳۸۵، ج. ۷، ۳۶).

۹. «به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان قطع‌ه زمینی واگذار مکن و مبادا کسی از اطرافیان تو به این طمع بیفتد که در آبادانی زمین و باغ خود به مردم همسایه زیان رساند و در آب دادن مزرعه و یا در کاری که با مردم باید همکاری کند، هزینه آن را بر دیگران تحمیل کند؛ در نتیجه گوارایی آن کار برای ایشان خواهد بود نه برای تو، ولی ننگ آن در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ ترجمه از: ابن میثم ۱۳۸۵، ج. ۷، ۴۹۸).

۱۰. در بیان امام علی (ع) عوام یا عامه به عموم مردم در یک محدوده جغرافیایی یا جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ مال و منصب یا شأن علمی یا جایگاه دینی برتری خاصی نسبت به دیگران ندارند. در مقابل، خواص به معنی گروه برجسته و مخصوص از مردماند که توسط عوامل مختلفی مانند جایگاه علمی یا دینی یا اخلاقی و یا اقتصادی و اجتماعی از سایر مردم متمایز شده‌اند. برای نمونه‌هایی از توجه به دوگانه خواص و عوام (با تعابیر مختلف) ر.ک: نامه ۵۳؛ خطبه ۳؛ حکمت ۲۸۳.

۱۱. از زمان عمر تا زمان زیاد ابیه کوفه هفت قسمت یا قبیله داشت که به نوعی فاصله طبقاتی داشتند. در زمان امام علی (ع) قبیله یا گروهی را که همیشه حاکم و والی بودند از این مقام انداخت و طبقه زیرین را زبرین کرد. گروه اول کثانه و حلفا و جدیله بودند. کثانه شامل گروهی از قبایل قریش و بنی لیث و بنی عامر بود. قبایل مذحج و حمیر و همدان گروه سوم شناخته می‌شدند که در حوادث کوفه نقش مهمی داشتند و زمان خلیفه چهارم مناصبی به ایشان سپرده شد. ایرانیان - که بومی منطقه محسوب می‌شدند - جزء گروه ششم بودند و هفتمین طبقه، گروهی وسیع و متکثر از مردم و اقوام مختلف بودند که مشهورشان قبیله «طی» بود. در زمان حضرت علی (ع) وضع اجتماعی زیرورو شد. طبقه نخستین همدان و حمیر و حمر شدند که اهل فضل بودند و دومین مذحج و اشعر و طی. هفتمین طبقه قریش و کثانه شدند و قدرت سیاسی ایشان بسیار کاهش یافت. حتی در هنگام نماز و خطبه آن طبقات فرودست جلو و این طبقات اشرافی عقب می‌نشتند؛ چندان که اعتراض بعضی مانند اشعث را برانگیخت. همین انقلاب طبقاتی سبب کینه ایشان نسبت به خلیفه چهارم شد (ربیع، ۲۴ و ۲۵؛ کمره‌ای ۱۳۲۸، ۱۱۶-۱۲۶).

۱۲. اصطلاح «بیت‌المال» اصطلاحی عام برای درآمدهای عمومی مسلمانان بوده است و برای آن دو گونه مورد مصرف تعریف شده بود: ۱. مصارف خاص: آن دسته از مصارف عمومی که دارای عنوان و موضوعی خاص هستند؛ شامل آموزش، بهداشت، عمران و آبادی شهرها و راه‌ها، بدهی بدهکاران، تأمین فقرا و از کارافتادگان و خانواده‌های شهدا، تأمین حقوق کارگزاران بیت‌المال و قضات و سربازان، مخارج زندانیان، دیه مقتولانی که ضامن مشخصی ندارند و...؛ ۲. مصارف عام: در صدر اسلام، پس از تأمین مصارف خاص، مازاد بیت‌المال بین عموم مسلمانان تقسیم می‌شد. در متون روایی از این نوع مصرف، به عنوان حق عام افراد در بیت‌المال یاد شده است. توزیع مطلوب بیت‌المال از دیدگاه اسلام دو ویژگی دارد: الف) رعایت عدالت در تقسیم (مساوات در مصارف عام؛ اولویت تأمین اجتماعی و رسیدگی به طبقات محروم)؛ ب) حبس نکردن حقوق عمومی: پیامبر اکرم (ص) هر وقت مالی به خزانه می‌آمد، بلافاصله آن را توزیع می‌کرد. عمر دیوان و دفتری قرار داد و درآمدهای بیت‌المال را آخر هر سال توزیع می‌کرد. امام علی (ع) با رد این سیاست، به سنت پیامبر بازگشت و حتی تأخیر یک‌روزه را جایز نمی‌دانست (محمدی ری‌شهری ۱۳۸۷، ۲۸۷ و ۲۸۸).

۱۳. سواد عبارت است از روستاهای عراق و زمین‌هایی که در عهد عمر بن خطاب به دست مسلمانان افتاده و به مناسبت

نخلستان‌ها و کشتزارهای سبز، چنین نامی به آن‌ها داده شده است (لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «سواد»).

۱۴. گویا این مسئله موجب نگرانی و اعتراض آن قبایل به حکومت مرکزی شده و در مراحل بعدی یکی از دلایل شورش قبایل خوارج بوده است. ایشان با توسل به این برهان که آن سرزمین‌ها را با شمشیرهای خود گشوده‌اند، آن‌ها را مطالبه می‌کردند (بیضون ۱۳۷۹، ۱۷۹).

۱۵. در جای دیگری نیز می‌فرماید: «فَضِيلَةُ السُّلْطَانِ عِمَارَةُ الْبُلْدَانِ» فضیلت حاکم در آباد کردن شهرهاست (غرر الحکم، ح ۶۵۶۲).

۱۶. «مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ».

۱۷. «به‌درستی که گذران زندگی مردم در پنج امر است: حکمرانی، آبادانی، تجارت، اجاره، مالیات‌ها [...] اما توجیه آبادانی [= العماره] این سخن خداوند است که «و شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست آبادش کنید» (هود: ۶۱) پس به ما فهماند که خداوند سبحان بندگانش را به آبادانی زمین فرمان داده تا به این ترتیب، با آنچه از زمین می‌روید، اسباب زندگی‌شان فراهم شود، از دانه‌ها و میوه‌ها و هرآنچه خداوند اسباب گذران زندگی مردم [= معایش الخلق] را در آن قرار داده است» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ۲۸۳؛ نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۳).

۱۸. «و تَقَعْدُ أَمْزُ الْخِرَاجِ بِمَا يَصْلُحُ أَهْلُهُ فَإِنَّ فِي صِلَاحِهِ وَ صِلَاحِهِمْ صِلَاحًا لِمَنْ سِوَاهِمُ، وَ لَا صِلَاحَ لِمَنْ سِوَاهِمُ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخِرَاجِ وَ أَهْلُهُ».

۱۹. «وَلْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ [...] فَإِنَّ شَكْوًا يُقَالُ أَوْ عِلَّةٌ أَوْ انْقِطَاعٌ شَرِبَ أَوْ بَالَةً، أَوْ إِخَالَةً أَرْضٌ اعْتَمَرَهَا غَرَقٌ، أَوْ أُجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ، خَفَّتْ عَنْهُمْ بِمَا تَزْجُو أَنْ يَصْلُحَ بِهَ أَمْرُهُمْ؛ وَلَا يَنْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّتْ بِهِ الْمُؤُونَةُ عَنْهُمْ، فَإِنَّهُ دُخْرٌ يُؤَدُّونَ بِهَ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ وَتَرْبِيَةِ وَلَدَيْكَ، مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنِ ثَنَائِهِمْ، وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ».

۲۰. «فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ».

۲۱. مفهوم سرمایه اجتماعی به سرمایه‌ای اشاره دارد که از بطن روابط اجتماعی قابل حصول است. سرمایه اجتماعی به روابط میان افراد در جامعه نظر دارد؛ رابطه‌ای که نیل به هدف و دستیابی به منابع را برای کنشگران اجتماعی تسهیل می‌کند. مؤلفه‌ها و مفاهیم اقماری شکل‌دهنده به این مفهوم شامل روابط اجتماعی، اعتماد، هنجار، تعامل متقابل، دسترسی به منابع و... است (پیربابایی و دیگران ۱۳۹۵، ۱۰۸ و ۱۱۴). در تعریف دیگر، حاصل یا همان روابط و پیوندهای دوستانه و همدمی و دلسوزی دوطرفه و مراودات اجتماعی در میان گروهی از افراد یا خانواده‌هاست (Smith and Kulynych 2002, 154).

۲۲. «[...] لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخِرَاجِ وَ أَهْلِهِ».

۲۳. «همانا مردانی از دَیْمَانِ ولایت تو نه‌ری را در زمین خود نام بردند که بی‌اثر شده و زیر خاک رفته است و مسلمانان برای ایشان عهده‌دار احیای آن هستند. پس تو و ایشان بنگرید و نهر را احیا کن و آباد ساز. پس به جانم سوگند که اگر احیا شوند نزد ما دوست‌تر است تا خراج دهند» (یعقوبی ۱۳۷۱، ۱۱۸).

۲۴. «ما أصبح بالكوفة احد إلا ناعما، إن ادناهم منزله لياكل البر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات» در آن زمان نان گندم (البر) نان گران‌قیمتی محسوب می‌شد. فقرا معمولاً نان جو می‌خوردند.

۲۵. يَا بَنِي، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَقْصَصَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، ذَاغِيَةٌ لِلْمَقَاتِ.

۲۶. زمین‌های ینبع از جمله زمین‌های «موات» بوده که به دست حضرت علی(ع) آباد شده و ایشان به دست خودش در آنجا چاه حفر کرده است. مقدسی می‌نویسد: «ینبع در حجاز واقع است. بندری بزرگ و پرآب است؛ دیواری استوار دارد و جایی آباد و پرنخلستان از مدینه است. دژی استوار و بازاری پررونق دارد. این شهر دو دروازه دارد و مسجدجامع آن نزدیک یکی از دروازه‌هاست. بیشتر مردم شهر از بنی الحسن (علویان حسنی) هستند.» یاقوت ضمن تأیید گفتار مقدسی می‌نویسد: «علی بن ابی‌طالب(ع) را در آنجا ملکی بوده است که فرزندان‌ش عهده‌دار ادارهٔ آن بوده‌اند» (شاکری‌فرد، شریعت‌پناهی، و دلبری ۱۳۹۷، ۱۱۴ و ۱۱۵؛ نقل از مقدسی و یاقوت حموی).

۲۷. در تواریخ نقل است هنگامی که رسول خدا ینبع را گرفتند، آن را به یکی از یارانشان به اقطاع دادند. پس از آن، عبدالرحمن بن سعد بن زرارہ آن را به ۳۰ هزار درهم از او خرید؛ اما در آنجا با زمینی بایر و بادهای تند و سخت مواجه شد و از آنجا هیچ خوشش نیامد. حضرت علی(ع) آن را از او به همان مبلغ اولیه (۳۰ هزار درهم) خرید و آنجا را آباد کرد. احتمالاً حضور حضرت علی(ع) در

ینبع از اوایل خلافت خلفا شروع شده و تا نزدیکی زمان شروع خلافت خود ایشان ادامه داشته است (خوشنودی و منتظرالقائم ۱۳۹۳، ۲۳۳ و ۲۳۴؛ نقل از ابن شُبّه).

۲۸. وسق برابر بار یک شتر و معادل ۶۰ صاع یا ۶۰ من است. هر صاع برابر ۴ مُدّ است. درباره مقدار مد بین حدود ۴۰۰ تا ۹۰۰ گرم گفته شده است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «وسق» و «صاع» و «مُدّ»؛ ویکی‌فقه، ذیل «پرداخت کفارات») اگر مقدار مشهور درباره مُدّ (حدود ۷۵۰ گرم) را مبنا قرار دهیم، هر وسق حدود ۱۸۰ کیلوگرم خواهد شد.

۲۹. اگر زمینی را که هر چاه در ینبع آبیاری می‌کرد به‌طور میانگین فقط یک هکتار بدانیم، مجموعه باغات ینبع دست‌کم ۱۷۰ هکتار مساحت داشته است. (بعضی چاه‌ها مانند بغیغه و ابی‌نیزر چندین هکتار زمین را سیراب می‌کردند). مقایسه کنید با جوسق الخاقانی بزرگ‌ترین مجموعه سلطنتی جهان اسلام و یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ساختمانی تاریخ به مساحت ۱۷۰ هکتار که متشکل از کاخ و باغ و شکارگاه بوده است (دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل «جوسق الخاقانی»).

۳۰. در لغت‌نامه‌ها هر دینار برابر ۱۰ درهم ذکر شده است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «دینار») لیکن در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید هر ۱۰۰ درهم برابر ۴ دینار است و تصریح شده در زمان امام علی (ع) این‌گونه معامله می‌شده است (ابن‌ابی‌الحدید ۱۳۷۹، ج. ۶: ۳۴۱).

۳۱. موقوفات مهم دیگر شامل نخلستان‌ها و باغ‌های وادی القری، وادی ترعه (در حدود فدک)، اُذُبْنَه، فقیر یا فقرین، حرّه الرجاء، عبادان، ادبیه، بئر الملک، عین سکر، عقیق الکبر (احتمالاً منطقه مشهور به «آبار علی»)، جُحْفَه، سُویعه یا سویقه است. همچنین چاه‌هایی در اطراف مکه و مدینه و کوفه و بصره برای مسافران و زائران وقف کرده است (خوشنودی و منتظرالقائم ۱۳۹۵، ۲۳۸-۲۴۳).

۳۲. در نامه ۲۴ نهج البلاغه آمده: «حسن بن علی نگهداری مال مرا عهده‌دار شود. خود از آن مصرف نماید و به دیگری ببخشد آن سان که روا بود [...] دو پسر فاطمه را از صدقه علی همان است که از آن دیگر پسران است [...] اصل مال را به حال خود گذارد و از میوه آن اتفاق کند [...] و اینکه نهال‌های تازه خرمانان این ده‌ها و آبادی‌ها را نفروشد تا بسیار شود و شناختن آن بر کسی که نخست بارش دیده دشوار» (نهج البلاغه، نامه ۲۴).

۳۳. امام علی (ع) علاوه بر کشاورزی از دامداری و تجارت نیز درآمد داشت (شاکری‌فرد، شریعت‌پناهی، و دلبری ۱۳۹۷، ۱۱۴).
۳۴. پیش‌تر گفتیم که درآمد یک سال علی (ع) فقط از محصول غلات ۴۰ هزار دینار بود. هزینه ساخت عمارات بغداد با برابری هر دینار ۲۵ درهم حدود ۱۹۳ هزار دینار و با برابری هر دینار ۱۰ درهم حدود ۴۸۰ هزار دینار خواهد بود. به عبارتی، او احتمالاً با پنج سال یا حداکثر ۱۲ سال فقط از درآمد غلات موقوفات می‌توانست چیزی شبیه بغداد عباسی بسازد.

۳۵. وَ رَوَى أَنَّ عَلِيًّا ع - مَرَّ عَلَى مَنَازَةِ طَوِيلَةٍ فَأَمَرَ بِهَدْمِهَا - ثُمَّ قَالَ لَا تُزْفَعُ الْمَنَازَةُ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ. [...] هیچ‌گاه مناره را بیشتر از سطح [بام] مسجد بالا مبرید» (ابن‌بابویه ۱۳۸۵، ج. ۱: ۳۶۰، ح ۷۲۲). در تحشیه‌ها حکمت این تصمیم اشراف مؤذن به خانه‌های اطراف مسجد دانسته شده است (همان‌جا). همچنین مأذنه مسجدی را خراب کرد و فرمود: «لَا يُوْذَنُ أَكْثَرَ مِنْ سَطْحِ الْمَسْجِدِ» (عامری و عامری ۱۳۹۰، ۲۸؛ نقل از دعائم الاسلام).

۳۶. «تقریباً در دومیلی بصره عمارت بسیار بلند قلعه‌مانندی به نظر می‌رسید که پرسیدم کجاست؟ گفتند مسجد علی بن ابی‌طالب (ع) است. بصره در قدیم به‌قدری بزرگ بود که این مسجد در وسط شهر قرار گرفته بود و اکنون تا بصره دو میل فاصله دارد و نیز از مسجد تا محل باروی نخستین بصره در حدود دو میل مسافت می‌باشد؛ یعنی مسجد در وسط بصره فعلی و باروی قدیم آن واقع شده است.»

۳۷. به‌رغم ذکر این شش مسجد در بعضی پژوهش‌ها، بررسی منابع نشان می‌دهد انتساب ساخت اولیه این مساجد به حضرت علی (ع) محل بحث است. در منابعی که پژوهش‌های قبلی به آن پرداخته‌اند، گویا جز در المناقب به ساخت مسجد توسط ایشان تصریح ندارد. برای مثال، مسجد الفتح منسوب به امام علی (ع)، طبق اسناد تاریخی در قرن ششم و زمان امرای فاطمی بازسازی (تجدید بنا) شده است (نهروالی؟، ۱۳۴)؛ اما اینکه پیش از آن چگونه بوده و از کی بنا شده اطلاع دقیقی در دست نیست؛ چندان‌که بعضی اصلاً امیر فاطمی را بانی مسجد می‌دانند (ر.ک: جعفریان ۱۳۹۰، ۳۲۹). درباره مسجد جامع بصره هم که به ساخت در آن تصریح شده، ارجاع عموماً به منابعی است که فاصله زمانی زیادی تا زمان حضرت علی (ع) دارد: ابن‌شهر آشوب (قرن ششم)؛ علی

بن ابوبکر هروی (قرن هفتم)؛ حمدالله مستوفی (قرن هشتم). این مورخان نیز منبع خود را ذکر نمی‌کنند. مساجد کوفه و عبادان را هم صرفاً این شهر آشوب یاد کرده (ابن شهر آشوب؟، ج. ۲: ۱۲۳) و دیگران به چاهی یا مقامی به نام علی بن ابی طالب در عبادان اشاره کرده‌اند (ر.ک: هروی ۱۴۲۳ق، ۷۳؛ اقتداری ۱۳۷۵، ۶۹۸). خلاصه آنکه وضعیت این مساجد و انتساب ساخت آن‌ها به امام علی(ع) نیاز به ارزیابی دقیق‌تر دارد.

۳۸. شریح بن حارث کندی که عمر وی را به قضاوت در کوفه نصب کرد. از آن زمان تا روی کار آمدن حجاج یوسف ثقفی در کوفه به قضاوت مشغول بود و در این فاصله تنها دو یا چهار سال قضاوتش تعطیل بود (ابن میثم ۱۳۸۵، ج. ۷: ۱۰).

۳۹. [...] خانه‌ای از سرای غرور، در محله فانی شوندگان، و در کوچه هالکان خریداری کرد. این خانه به چهار حد منتهی می‌شود: حد نخستین به آفات و بلاها، حد دوم به عزاها و مصیبت‌ها، حد سوم به هوا و هوس‌های هلاکت‌زا، حد چهارم به شیطان گمراه‌کننده و در خانه هم از همین‌جا باز می‌شود. این خانه را مغرور آرزوها از کسی که پس از اندکی از جهان رخت برمی‌بندد، به مبلغ خروج از عزت قناعت و دخول در ذلت دنیاپرستی خریداری کرده [...]» (نامه ۳؛ ابن میثم ۱۳۸۵، ج. ۷: ۱۱).

۴۰. علاء شخصی ثروتمندی بود و در زمان خلافت عمر در قسمتی از بحرین حکومت می‌کرد. گویا در مجلس عمر که بعضی فرمانداران را فراخوانده بود، لباسی مندرس می‌پوشید و غذایی را که عمر می‌خورد و اعیان نمی‌پسندید می‌خورد و از این جهت نظر خلیفه دوم را جلب کرده بود (ابن ابی‌الحدید ۱۳۷۹، ج. ۵، ذیل خطبه ۲۰۲).

۴۱. «ای دشمنک خویشتن! شیطان گیج و متحیرت ساخته است. چرا به خانواده رحم نکردی؟ گمان می‌کنی خداوند مواد پاکیزه را بر تو حلال کرده و بالین حال کراهت دارد از آن برخوردار شوی؟ [...] خداوند بر پیشوایان عدالت مقرر فرموده است شأن و اندازه خود را در حد مردم ناتوان دارند تا بینوایی مستمند او را گرفتار درد و اندوه نکند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).

۴۲. «إِنَّ لِلدَّارِ شَرَفًا وَ شَرَفَهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَ الْخَلَطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَهً وَ بَرَكَتُهَا جُودَةُ مَوْضِعِهَا وَ سَعَةُ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جَوَارِ جِيرَانِهَا».

۴۳. «ان علی بن ابی طالب علیه السلام بعد ما وَرَدَ الْكُوفَةَ فَرَأَى مَسْجِدًا قَدْ شُرِفَ. قَالَ: كَانَهُ بَيْعَهُ. إِنَّ الْمَسَاجِدَ لَا تُشْرَفُ تَبْنِي جَمًا».

۴۴. «وَ كَانَ عَلِيٌّ (ع) إِذَا رَأَى الْمَحَارِبَ فِي الْمَسَاجِدِ كَسَّرَهَا وَ يَقُولُ كَأَنَّهُا مَذَابِجُ الْيَهُودِ» (ابن بابویه ۱۳۸۵، ج. ۱: ۳۵۵).

۴۵. درباره این روایت و معنای محراب در آن، ر.ک: طباطبایی ۱۴۰۲/۸/۱۶.

۴۶. وَ اسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْيُطَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ؛ وَ اخْذِرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَ الْجَفَاءِ وَ قَلَّةَ الْأَعْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اقْصُرْ رَأْيَكَ عَلَى مَا يَغْنِيكَ وَ إِيَّاكَ وَ مَقَاعِدَ الْأَسْوَاقِ فَإِنَّهَا مَحَاضِرُ الشَّيْطَانِ وَ مَعَارِضُ الْفِتَنِ.

۴۷. در این باره ر.ک: نقل ساخت مسجد جامع کوفه به دست زیاد ابیه (کرسول ۱۳۹۳، ۹ و ۱۰؛ نقل از تاریخ طبری) و نقل ساخت مسجد اموی دمشق به دست ولید عبدالملک (المقدسی ۱۳۶۱، ۲۲۱-۲۲۴).

۴۸. حضرت علی(ع) حقیقت ساختن برای دنیا را ساختن برای نابودی می‌داند: إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يَنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ لِدَوَا لِلْمَوْتِ وَ اجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ وَ ابْنُوا لِلْخَرَابِ (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۲).

۴۹. امام علی(ع) در ابتدای نامه پنجاه و سوم به مالک اشتر او را در مقام یک حاکم به تقوا و بخل شدید در حق نفس توصیه می‌کند و می‌فرماید: «وَ شُحٌّ يَنْفُسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ».

۵۰. معنای عباراتی مانند «اعمها فی العدل» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) را باید در این سیاق فهمید.

۵۱. ر.ک: سوره‌های جمعه: ۶ و ۷؛ بقره: ۱۱۳؛ مائده: ۱۸.

۵۲. «إِنَّ الْمَسْجِدَ لَيْشْكُو الْخَرَابَ إِلَى رَبِّهِ، وَإِنَّهُ لَيَتَبَشَّشُ بِالزَّجْلِ مِنْ عُمَارِهِ إِذَا غَابَ عَنْهُ ثُمَّ قَدِمَ، كَمَا يَتَبَشَّشُ أَحَدُكُمْ بِغَائِبِهِ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ» (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج. ۸۰، ۳۷۰ و ۳۸۰). در شرح واژه «عُمار» و عمارت در این روایت و مشابه آن رفت‌وآمد به مسجد و نماز خواندن و عبادت کردن و علم‌آموزی در آن آمده است. درباره شرح این روایت و روایات مشابه دیگر در آبادانی باطنی مسجد ر.ک:

جوادی آملی ۱۳۷۹/۱۲/۲۲؛ طباطبایی ۱۴۰۰/۸/۳۰؛ همو ۱۴۰۰/۸/۲۹.

۵۳. در این باره ر.ک: مصباحی‌مقدم ۱۴۰۱/۱۰/۱۷؛ سیدان ۱۳۹۶/۲/۱۳.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید. ۱۳۷۹. *جلوه‌های تاریخ در شرح نهج‌البلاغه*. ترجمه و تحشیۀ محمود مهدوی دامغانی. ۸ ج. تهران: نی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۸۵. *من لا یحضره الفقیه*. ترجمۀ علی‌اکبر غفاری. ۶ ج. ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. ۱۳۷۶. *سفرنامه/ابن بطوطه*. تصحیح و ترجمۀ محمدعلی موحد. ۲ ج. ۱. تهران: آگه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۳۶۳. *العبر*. ترجمۀ عبدالمحمد آیتی. ۷ ج. ۲. وزارت آموزش عالی، مؤسسۀ تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- ابن شهر آشوب. ؟. *المناقب*. تصحیح هاشم رسولی. ۴ ج. ۲. قم: علامه.
- ابن میثم، میثم بن علی. ۱۳۸۵. *شرح نهج‌البلاغه*. ترجمۀ قربانعلی محمدی‌مقدم و علی‌اصغر نوایی یحیی‌زاده. ۸ ج. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسماعیلی، مهدیه، حمید حمیدیان، و احد زارع زردینی. ۱۴۰۳. *ابعاد حریم خصوصی از منظر نهج‌البلاغه با تأکید بر شرح‌های پیام امام امیرالمؤمنین و مصباح‌السالکین*. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش. ۳۴: ۱۲۳-۱۵۶.
- اشکوری، سید احمد. ۱۳۷۹. *موقوفات امیرالمؤمنین، علی(ع)*. میقات حج ۹ (۳۴). <https://civilica.com/doc/1986269> (دسترس‌ی در ۱۶/۱/۱۴۰۳)
- اقتداری، احمد. ۱۳۷۵. *خوزستان و کهگیلویه و ممسنی جغرافیای تاریخی و آثار باستانی*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بیضون، ابراهیم. ۱۳۷۹. *رفتارشناسی امام علی(ع) در آیینۀ تاریخ*. ترجمۀ علی‌اصغر محمدی سیجانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پیربابایی، محمدتقی، سید احمد فیروزآبادی، عیسی حجت، و محمد سلطان‌زاده. ۱۳۹۵. *دین و سرمایه اجتماعی: واکاوی ظرفیت‌های جامعه اسلامی ایران. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان* (۱): ۱۰۷-۱۲۸.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۸. *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*. ۹ ج. تهران: مؤسسۀ تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفریان، رسول. ۱۳۹۰. *آثار اسلامی مکه و مدینه*. تهران: مشعر.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۹. *مفاتیح الحیة*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۹. ۲۲/۱۲. درس تفسیر سورۀ توبه آیات ۱۸-۱۶. *مدرسه فقهات*. <https://eshia.ir/Feqh/Ar-chive/text/javadi/tafsir/79/791222/> (دسترس‌ی در ۱۵/۱۱/۱۴۰۳)
- خوشنودی، عفت، و اصغر منتظرالقائم. ۱۳۹۳. *بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی(ع)*. *شیعه‌شناسی* ۱۲ (۴): ۲۴۸-۲۲۷.
- داداش‌پور، هاشم، بهرام عزیززاده، و فرامرز رستمی. ۱۳۹۴. *تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام. نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، ۵ (۱): ۸۴-۷۵.
- ربیعی، شمس‌الدین. ؟. *عدالت در حکومت علی(ع)*. تهران: فقیه.
- رحیم‌زاده، محمدرضا. ۱۳۸۳. *بودن، اندیشیدن، برپا داشتن: تأمل در منشأ معماری*. پایان‌نامه برای اخذ درجۀ دکترا. تهران: دانشگاه تهران.
- شاکری‌فرد، محمود، ماهیار شریعت‌پناهی، و شهربانو دلبری. ۱۳۹۷. *مالکیت حضرت علی بر ینبع النخیل. فقه و تاریخ تمدن* ۴ (۲): ۱۱۳-۱۳۱.
- طباطبایی، سید ابوالفضل. ۱۴۰۰/۸/۳۰. *فقه المسجد (مسجد طراز انقلاب اسلامی): هویت مسجد*. *مدرسه فقهات*. https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/tabatabaei_abolfazl/feqh2/1400/14000830/ (دسترس‌ی در ۱۵/۱۱/۱۴۰۳)
- _____. ۱۴۰۰/۸/۲۹. *فقه المسجد (مسجد طراز انقلاب اسلامی): هویت مسجد*. *مدرسه فقهات*. https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/tabatabaei_abolfazl/feqh2/1400/14000829/ (دسترس‌ی در ۱۵/۱۱/۱۴۰۳)
- _____. ۱۴۰۲/۸/۱۶. *فقه المسجد (مسجد طراز انقلاب اسلامی): محراب مسجد*. *مدرسه فقهات*. <https://eshia.ir/Feqh/>

Archive/text/tabatabaei_abolfazl/feqh2/1402/14020816/ (دسترسی در ۱۴۰۳/۱۱/۲۵)

- طبرسی، رضی‌الدین. ۱۳۹۰. مکارم‌الاخلاق. ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی. قم: صبح پیروزی.
- عامری معصومه، و زهرا عامری. ۱۳۹۰. حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی(ع). علوم سیاسی باقرالعلوم ۱۴ (۵۶): ۳۳-۶۰.
- عبدالله‌زاده، محمدمهدی. ۱۴۰۱. معماری، عدالت، تاریخ‌نویسی: چارچوب مطالعه تاریخ معماری بر پایه پرسش از مفهوم عدالت. مطالعات معماری ایران، ۱۱ (۲۱): ۹۱-۱۰۶.
- غررالحکم و درر الکلم. ۱۳۹۳. گردآوری: عبدالواحد تمیمی آمدی. ترجمه محمد رحمتی. قم: صبح پیروزی.
- غلامعلی‌فلاح، محمد، و محمدرضا بمانیان. ۱۳۹۵. اطوار معنای آثار در تاریخ معماری با تکیه بر آموزه‌های هرمنوتیک اریک هیرش. صفه، ش. ۷۵: ۱۱۶-۱۳۲.
- قیومی بیدهندی، مهرداد، و مطهره دانایی‌فر. ۱۳۹۵. مفهوم معماری در برهه گذار از دوره ساسانیان به دوران اسلامی، درآمدی بر تاریخ مفهومی معماری ایران. مطالعات معماری ایران، ش. ۱۰: ۴۹-۷۲.
- کرسول. کپل آرچیبالد. ۱۳۹۳. گذری بر معماری متقدم مسلمانان. ترجمه مهدی گلچین‌عارفی. تهران: فرهنگستان هنر (متن).
- کمره‌ای، خلیل. ۱۳۲۸. مسلم بن عقیل و اسرار پایتخت طوفانی کوفه. تهران: کتابخانه سقراط.
- گراوند، مجتبی، علی محمد ولوی، و زهرا نظرزاده. ۱۴۰۱. تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی در سیره علوی(ع) با تکیه بر نامه ۵۳ نهج البلاغه. پژوهشنامه علوی ۱۳ (۱): ۳۹۳-۳۲۰.
- گل‌مکانی، وحیده، و هادی وکیلی. ۱۳۹۶. پیامدهای اقتصادی جنگ‌های دوران خلافت امام علی(ع). شیعه‌شناسی، ۱۵ (۵۷): ۷-۳۰.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳. بحار الانوار. ۱۱۱ ج. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۷. گزیده دانشنامه امیرالمؤمنین. قم: دارالحديث.
- مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران. ۱۳۷۶. تاریخ اسلام در عصر امامت امام علی(ع). تهران: معاونت آموزش سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. ۱۳۸۱. نزهة القلوب. تصحیح محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۷۴. مروج الذهب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج. ۲. ج. ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصباحی مقدم، غلامرضا. ۱۴۰۱/۱۷/۱۰. فقه معاصر: مضاربه. مدرسه فقه‌ها. <https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/>
- mesbahi_gholamreza/feqh2/1401/14011017/ (دسترسی در ۱۴۰۳/۱۱/۱۵)
- معادینخواه، عبدالمجید. ۱۳۸۳. عصر علوی (تاریخ اسلام: عرصه دگراندیشی و گفت‌وگو). ج. ۳. ج. ۱. تهران: ذره.
- المقدسی، محمد بن احمد. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علی‌نقی منزوی. ج. ۲. ج. ۱. تهران: کومش.
- مولایی، اصغر. ۱۳۹۹. راهبردها و راهکارهای آرمانشهر اسلامی با محوریت آموزه‌های علوی برای کاربست در توسعه شهرهای ایران. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی ۲ (۶): ۱۱۰-۱۳۵.
- نجفی، سید محمدباقر. ۱۳۶۷. مدینه‌شناسی. تهران: خرمایستان.
- نقره‌کار، عبدالحمید، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۳. بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش. ۱۵: ۲۱-۳۴.
- نقره‌کار، عبدالحمید، سمانه تقدیر، و صدیقه معین‌مهر. ۱۳۹۴. اصولی برای معماری فضاهای آموزشی مبتنی بر تعریف انسان و معماری از منظر اسلام. معماری و شهرسازی ایران، ش. ۱۰: ۱۰۸-۱۰۱.
- نقوی، حسین. ۱۳۹۳. بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تعامل حضرت علی(ع) با خلفا. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۵. الف. نظریه فضای حیات طبیعه: شهر آرمانی اسلام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۵. ب. شهر علوی: شهر آرمانی تحقق‌پذیر در دنیا. تهران: خورشید باران.
- نهروالی، محمد بن احمد. ؟. تاریخ المدینه. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

- هاروی، دیوید. ۱۳۷۶. *عدالت اجتماعی و شهر*. ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- هروی، علی بن ابوبکر. ۱۴۲۳ق. *الاشارات الى معرفة الزيارات*. تصحیح علی محمد عمر. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. ۱۹۹۵م. *معجم البلدان*. ج ۷. بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. ۱۳۷۱. *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. ج ۲. ج ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Cheng, Irene, Charles L. Davis, & Mabel O. Wilson. 2020. *Race and Modern Architecture: A Critical History from the Enlightenment to the Present*. University of Pittsburgh Press.
- Hassan, Noor Sami. 2024. The Economic Dimension of the Will of Imam Ali (Peace Be Upon Him) To Malik Al-Ashtar. *Qualitative Research in Education* 13 (2): 1-11.
- Schweitzer, Lisa, & Max Stephenson Jr. 2007. Right Answers, Wrong Questions: Environmental Justice as Urban Research. *Urban Studies* 44 (2): 319-337.
- Smith, Stephen Samuel, & Jessica Kulynych. 2002. It May Be Social, but Why Is It Capital? The Social Construction of Social Capital and the Politics of Language. *Politics & Society* 30 (1): 149-186.



■ Architecture and Justice in Imam Ali's (PBUH) Era

Mohammad Mahdi Abdollahzadeh

Assistant Professor, Department of Architecture & Urban Planning, Technical and Vocational University.

The inquiry into justice in architecture concerns the allocation and distribution of spatial benefits and locational advantages. The article examines the meaning of just architecture and the relationship between the two concepts, as understood by a highly prominent character in early Islam — Imam Ali (PBUH), the first Imam of the Shiites and the fourth Caliph of Muslims. The adopted research strategy is a historical interpretive method, employing a conceptual history approach. The study initially reviewed previous research to evaluate Imam Ali's (PBUH) conception of justice and identify its conceptual framework. Subsequently, the spatial interventions of Imam Ali (PBUH)—both in theory and practice—were examined through historical and narrative sources, analyzing their various forms to reveal his preferred approach to spatial modifications and the distribution of spatial benefits.

As a result, a framework of concepts emerged, clarifying the notion of just architecture as defined by the fourth Caliph. These concepts included “Intention” (Niyyah) of construction as a fundamental principle, emphasizing the meaning or inner purpose of the structure, public welfare (Salah) or the most significant benefit for the greatest number, redistribution of spatial advantages in a way that empowers the disadvantaged and eliminates discrimination, incorporation of a virtuous meaning, and fostering public affection and trust. These concepts also contributed to understanding his broader conception of justice.

Keywords: Architecture, Justice, Imam Ali (AS), History.